

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۹۶

شنبه ۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴

فاجعه‌ای تکان‌دهنده در معدن زغال‌سنگ معدن‌جوی

یک فاجعه دیگر و باز هم کارگرانی که تولید می‌کنند و در پای سرمایه قربانی می‌شوند! حوالی ساعت ۹ شنبه ۳۱ شهریور، انفجار بزرگی در دو تونل معدن زغال‌سنگ معدن‌جو در طیس رخ داد و بار دیگر فاجعه‌ای انسانی به وقوع پیوست و جان شماری از کارگران را گرفت. بنا بر آخرین گزارشات تا کنون تعداد ۵۱ نفر جان خود را از دست داده و شمار دیگری مصدوم شده‌اند که خطر افزایش شمار قربانیان وجود دارد. این فاجعه تکان‌دهنده همه کارگران در این معدن را دچار شوک و غم کرده است.

حزب کمونیست کارگری جان‌باختن این عزیزان را به خانواده‌هایشان، به معدنچیان طیس و به همگان تسلیت می‌گوید.

عامل این انفجار نشست گاز ذکر شده است. اما کیست نداند که عامل آن سودجویی مشتی سرمایه‌دار چپاولگر و مفت‌خور است که ایمنی شرایط کار کارگران برایشان ذره‌ای اهمیت ندارد. سرمایه‌دارانی که در پناه حکومت آدمکش حامی خود بدون صرف کوچک‌ترین بودجه برای امنیت و جان کارگران دارند هر روز در محیط‌های کار جنایت می‌کنند و قربانی می‌گیرند.

به گفته محمدعلی آخوندی مدیرکل مدیریت بحران استان خراسان جنوبی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با استناد به گزارش حاضران در صحنه در زمان انفجار احتمالاً ۶۹ نفر در معدن مشغول فعالیت بوده‌اند.

این اولین یار و آخرین حادثه در معادن ایران نیست. معادن ایران که معادن مرگ نام گرفته‌اند. در حوادث مشابه آنچه که امروز در معدن زغال سنگ طیس روی داده است، گزارشات همواره از خبر قبلی وقوع چنین خطراتی و عدم توجه صاحبان جنایت کار معدن و سکوت وزارت کار و مقامات دست‌اندرکار خبر داده‌اند. گزارشاتی که همدستی کامل کارفرمایان مفت‌خور ورده‌های مختلف حکومتی را در چنین جنایاتی می‌توان دید و وقتی حادثه روی می‌دهد آنوقت سروکله "مدیریت بحران" و مقامات رنگارنگ حکومتی پیدا می‌شود تا مبادا اعتراضی شکل گیرد. خصوصاً امروز در فضای انقلابی جامعه چنین فجایعی بیش از پیش حکومت را به هراس می‌اندازد.

خبر انفجار در معدن‌جوی طیس قلب همه را به درد آورده است. بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان که امروز یکم مهرماه برای پیگیری مطالباتشان به خیابان آمده بودند، با شعار "معدن کاران طیس، تسلیت، تسلیت" خشم و نفرت خود را نسبت به این بساط توحش و بربریت فریاد زدند.

آنچه شب گذشته در معدن‌جوی طیس روی داد یک قتل و جنایت آشکار است. خانواده‌های کارگران طیس دادخواه‌اند. همراهشان باشیم و در همه‌جا با فریاد محیط امن کار حق مسلم ماست، صدای اعتراض معدنچیان طیس و خانواده‌های جان‌باختگان این فاجعه انسانی را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

چرا رژیم سرنگون نمی‌شود؟

سؤال از حمید تقوایی

صفحه ۲

فاجعه معدن طیس و پیامدهای آن

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۳

قتل حسن نصرالله و موقعیت اسرائیل

و جنبش اسلامی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۵

جمعه خونین زاهدان:

نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم

صفحه ۷

از فایل صوتی یزشکیان تا سکوت خامنه‌ای!

محمد شکوهی

صفحه ۸

کمک‌های مالی رسیده به حزب

صفحه ۹

به جنگ و کشتار در خاورمیانه باید فوراً پایان داد!

صفحه ۱۰

پاسخی به اراجیف یزشکیان و وزیر کارش در

مورد معدن طیس

صفحه ۱۱

بازی دوگانه حکومت، کرنش در سازمان ملل،

گردن‌کشی از داخل

مهران محبی

صفحه ۱۲

اعتصاب عمومی در اعتراض به

کشتار معدنچیان طیس

صفحه ۱۳

در اعتراض به حبس خانگی گوهر عشقی

صفحه ۱۳

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۴

چرا رژیم سرنگون نمی‌شود؟ سؤال از حمید تقوایی



جهت گیری رادیکال و پیگیر باشد. در این جهت هم پیشروی‌های ملموسی رخ داده است. تا همین‌جا انقلاب تا حد زیادی پالایش یافته است و سره از ناسره جدا شده‌اند. نیروهای اپوزیسیون راست، به‌ویژه سلطنت طلب‌ها، که از نظر آرمانی و استراتژیک هیچ قرابتی با انقلاب ندارند و صرفاً به‌خاطر عقب‌نماندن از قافله ظاهر انقلابی به خود گرفته‌اند بیش‌ازپیش کنار زده می‌شوند و نیروهای چپ و واقعاً انقلابی زمینه اجتماعی بیشتری پیدا می‌کنند. به‌عنوان آخرین نمونه در مراسم‌های بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب، اپوزیسیون سلطنت طلب در خارج کشور به‌جای بزرگداشت انقلاب و جان‌باختگان انقلاب به مجریگویی از شاه و خاندان سلطنتی پرداخت و به‌این ترتیب بیش‌ازپیش بی‌ربطی و در واقع تقابل خود با انقلاب زن، زندگی، آزادی و اهداف و ارزش‌های انسانی آن را به نمایش گذاشت.

تأمین رهبری انقلاب در گرو اتکا به دستاوردها و پیشروی‌های تاکنونی جنبش انقلابی به‌منظور ایجاد اتحاد و همراهی و هماهنگی بیشتر بین فعالین و دست‌اندرکاران انقلاب و جنبش‌های اعتراضی است. در شرایط حاضر انقلاب آن برآمد خیابانی ماه‌های اول را ندارد؛ ولی جنبش‌های اعتراضی در عرصه‌های مختلف به میدان آمده‌اند. علاوه بر جنبش گسترده دادخواهی که یاد عزیزان جان‌باخته را زنده نگاه داشته و اندوه از دست دادن آنان را به خشم و تعرض بدل کرده است، و جنبش بی‌حجابی که عملاً حجاب را کنار زده و به قول خود حکومتی‌ها اولین خاکریز نظام را فتح کرده است، جنبش‌های اعتراضی متعددی، از جنبش بازنشستگان تا پرستاران و معلمان و کارگران نفت و پتروشیمی - که امروز باید چشم‌انداز به میدان آمدن کارگران معدن را نیز به اعتراضات اضافه کرد - حضور میدانی گسترده‌ای دارند. این جنبش‌ها دیگر صرفاً به طرح مطالبات صنفی و مدنی

محدود نیستند؛ بلکه پرچم خواست‌های همگانی نظیر لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و اتحاد علیه فقر و فساد را نیز برافراشته‌اند. این جنبش‌های عرصه‌ای در واقع مانند شاخه‌هایی از انقلاب زن، زندگی، آزادی عمل می‌کنند.

در کنار این اعتراضات خیابانی گفتمان انقلاب و تعرض به کل حکومت در بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها و فراخوان‌های فعالین و چهره‌ها و نهادهای انقلابی، و در دیوارنویسی‌ها و مدیای اجتماعی ادامه دارد. فضای سیاسی جامعه فضای سرنگونی است. جنگ بی‌امانی بین جامعه و حکومت در جریان است که مهر خود را بر هر حرکت اعتراضی مردم و عکس‌العمل حکومت کوبیده است.

این شرایط نیروی را به میدان می‌طلبد که مقابله پایه‌ای کل جامعه با نظام جمهوری اسلامی را در خارج و داخل کشور نمایندگی کند و عامل اتحاد و انسجام و هماهنگی همه فعالین انقلاب و جنبش‌های اعتراضی، و از این طریق اتحاد توده مردمی باشد که جانانشان از جمهوری اسلامی به لب رسیده است. حزب ما با تمام توان خود تلاش می‌کند تا ایفاکننده این نقش باشد.

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

انترناسیونال: پس از دو سال از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و درحالی‌که جامعه ایران و مردم معترض بیش از هر زمان در جوش و خروش هستند و باتوجه به دست‌آوردهای غیرقابل‌انکار انقلاب تا کنون، یکی از سؤالات اساسی توده‌های مردم این است که جمهوری اسلامی چرا سرنگون نمی‌شود. باوجود درگیر بودن در انواع بحران‌ها و مشکلات، اساساً چه فاکتور یا فاکتورهایی برای سرنگونی رژیم غایب است؟

حمید تقوایی: به نظر من سؤال اساسی این نیست که چرا رژیم هنوز سرنگون نشده. سؤال این است که چرا بعد از این همه کشتار و سرکوب، مردم مرعوب و مأیوس نشده‌اند! رژیم سرنگون نشده؛ ولی جنبش انقلابی برای سرنگونی در اشکال و در عرصه‌های مختلف ادامه دارد.

سرنگونی در یک روز اتفاق می‌افتد؛ ولی مبارزه برای سرنگونی یک روند است. روندی که در آن صفوف انقلاب پالایش پیدا می‌کند، عمیق‌تر می‌شود و متعین‌تر و متشکل‌تر و متحدتر می‌شود. ما نه‌تنها در دو سال اخیر بلکه در تقریباً دو دهه اخیر شاهد این روند بوده‌ایم. روندی که از ۱۸ تیر ۷۸ تا کنون برآمدهای متعددی داشته است، و از همان مقطع حزب ما به‌عنوان جنبش سرنگونی به آن رجوع کرد و به جامعه معرفی نمود.

خیزش‌های ۹۶ و ۹۸ آخرین برآمدهای این جنبش بودند و انقلاب زن، زندگی، آزادی نقطه اوج این جنبش است. آنچه تا قبل از ۱۴۰۱ حزب ما جنبش سرنگونی می‌نامید و برای تقویت و گسترش آن بی‌وقفه مبارزه می‌کرد، اکنون با پرچم زن، زندگی، آزادی و به‌عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ قد برافراشته و شهرت و محبوبیتی جهانی یافته است.

زمانی رژیم‌چنج، رفراندوم، تغییر قانون اساسی، استحاله و گفتمان‌هایی نظیر این به فضای سیاسی ایران شکل می‌داد. انقلاب زن، زندگی، آزادی نقطه پایانی بر این گفتمان‌های سازش‌کارانه گذاشت و سرنگونی حکومت به قدرت انقلابی مردم را به گفتمان مسلط در جامعه تبدیل کرد. این جنبش را با "رژیم سرنگون شد و یا نشد؟" نمی‌توان ارزیابی کرد. شاخص این است که آیا مبارزه مردم امروز قوی‌تر و تعرضی‌تر و گسترده‌تر از دوره ماقبل ۱۴۰۱ است و یا ضعیف‌تر و محدودتر است و در مقابل، آیا رژیم متزلزل‌تر و به هم ریخته‌تر است و یا قوی‌تر و منسجم‌تر. فکر کنم جواب این سؤالات برای هر کس اندک آشنایی با تحولات دو سال اخیر داشته باشد روشن است.

جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی شرایط سیاسی جامعه را به نفع مردم و به ضرر حکومت برای همیشه تغییر داده است و این شرایط دیگر قابل‌بازگشت به قبل از ۱۴۰۱ نیست.

قسمت دوم سؤال شما در واقع به فاکتور رهبری مربوط می‌شود. آنچه غایب است عروج نیروی است که بتواند کل جنبش زن، زندگی، آزادی را نمایندگی کند و عامل وحدت و انسجام صفوف انقلاب حول یک خط و



فاجعه معدن طبس و پیامدهای آن

مصاحبه با شهلا دانشفر



انترناسیونال: فاجعه معدن طبس جامعه را در شوک و خشم عظیمی فروبرد. لطفاً پیش از هر چیز خلاصه‌ای از آن چه روی داد بیان کنید. مشخصاً عامل اصلی وقوع این فاجعه عظیم انسانی چه بود؟

شهلا دانشفر: شامگاه ۳۱ شهریور بود که در پی تراکم گاز متان در دو بلوک B و C معدن طبس، تمامی افراد محبوس در بلوک C و بلوک B جان باختند و باری دیگر فاجعه‌ای انسانی به وقوع پیوست.

در این واقعه تکان‌دهنده و ناگوار طبق گزارشات تاکنونی ۵۲ کارگر جان خود را از دست داده و شماری هم مصدوم و بستری هستند که جوان‌ترین این کشته‌شدگان نوجوانی هفده‌ساله است. سه‌شنبه سوم مهر بود که حکومت پایان عملیات برای بیرون کشیدن باقی اجساد جان‌باختگان معدن از عمق صدمت‌تری زمین را اعلام کرد و گفته شد که انباشت گاز در عمق زمین مانع ادامه عملیات است. کارگران می‌گویند اگر تراکم گاز برایتان چنین خطرآفرین است چرا ما را برای کار به اعماق زمین فرستادید و راهی مرگ کردید؟

عامل اصلی این جنایت برای همه روشن است. عامل اصلی کارفرمایان مفت‌خور و چپاولگر معدن با همدستی و پشت‌گرمی حکومت حامی‌شان است. عامل اصلی سرمایه‌دارانی هستند که می‌دانند معدن مرگبار است؛ اما برای اینکه لحظه‌ای چرخه تولید و سودشان متوقف نشود، کارگر را که برای تأمین لقمه نانی نیاز به کار دارد، با چماق اخراج و بیکاری به اعماق زمین می‌فرستند و مرگ می‌آفرینند. کارفرمایانی که علی‌رغم اطلاع قبلی از خطر مرگ در معدن از صرف کمترین هزینه برای نجات جان و سلامت کارگران دریغ می‌کنند و حکومت نیز نظاره‌گر است.

واکنش‌های ضدونقیض جمهوری اسلامی نیز نشانگر همین حقیقت است. میدری وزیر کار جمهوری اسلامی بی‌شرمانه برای خارج کردن انگشت اتهام کارگران و مردم که به‌سوی کارفرمایان جنایت‌کار معدن اشاره می‌کند مدعی شد که در این معدن تمام ضوابط و استانداردهای رعایت شده، کار آن به‌طور کامل مکانبزه بوده و حادثه در آنجا جزو مواردی است که قابل پیش‌بینی نبوده است. از سوی دیگر پزشک‌ها با وقاحت تمام و البته در نقض گفته میدری این فاجعه انسانی را از آثار تحریم‌ها و ممنوعیت ورود تجهیزات به ایران دانست و این ادعایی است که کارگران بارها با شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست" در کف خیابان پاسخش را داده‌اند. طبعاً این اولین بار نیست که چنین فجایی در محیط‌های کار روی می‌دهد و دست همه این جانان برای کارگران و مردم رفته است و اظهارات خانواده‌های جان‌باختگان معدن طبس و کارگران معدن‌جوی نیز به‌روشنی می‌گوید که عوامل اصلی این جنایت چه کسانی هستند.

پدر محمدجواد قاسمی از جان‌باختگان معدن طبس می‌گوید پسر من به مسئولین معدن هشدار داده بود که بلوک C معدن گاز دارد؛ اما آنها به پسر من و بقیه کارگرها گفتند یا با همین شرایط کار کنید یا فرم تسویه حساب را بر کنید.

یکی از کارگران می‌گوید: "شیفت ما تمام شده بود. معدن را گاز گرفته بود و ما گفتیم داخل نیابید، اینجا پر از گاز است؛ ولی هیچ‌کس گوش نداد. سرپرست گفته بود کار کنید. الان چه کسی جوابگوی این درد است؟" و

این گفته همه کارگران در باره این انفجار است. یکی دیگر از کارگران می‌گوید وقتی صداسیما برای گزارش آمد و ما از حقایق گفتیم تذکر شنیدیم که این حرف‌ها را نزنیم.

همچنین خانواده یکی دیگر از جان‌باختگان با اشاره به اینکه حتی پول حمل جنازه عزیزانشان را هم از خود آنها طلب کرده‌اند می‌گوید که از هر خانواده‌ای ۱۵ تا ۲۰ میلیون اخاذی کرده‌اند تا تن بی‌جان عزیزانشان را تحویل دهند. حقیقتاً بی‌شرمی و شقاوت حکومت اسلامی حد و مرزی ندارد.

از سوی دیگر وضع آسیب‌دیدگان انفجار طبس نیز گوشه دیگری از این جنایت است. از جمله همسر علی‌رضا کندی یکی از کارگران مصدوم معدن می‌گوید: همسر من در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است. ماه اول کارش بود. اصلاً نمی‌دانیم حقوقش را می‌دهند یا نه. بیمارستان گفته او را بیمه درمانی نکرده بودند، از طرفی دکترها می‌گویند شاید نیاز باشد تا مدت‌ها تحت نظر باشد. نمی‌دانم بابت همه این هزینه‌ها چه کنیم.

اینها همه گوشه‌هایی از حقیقت مرگبار در معدن طبس است. معدنی که ۷۶ درصد از زغال‌سنگ کشور در آنجا تولید می‌شود.

کارگران معدن طبس و خانواده‌های جان‌باختگان معدن‌جوی با اظهاراتشان آشکارا عاملین این جنایت را به جامعه معرفی کرده و هم اکنون معترض هستند و فریاد دادخواهی‌شان بلند است. زیر فشار اعتراضات آنان و جامعه‌ای که سراپا خشم است، از میان خود حکومتیان از وضعیت فاجعه‌بار ایمنی در این معدن و بی‌معنا بودن رعایت استانداردهای گازی در آنجا صحبت می‌شود. در برابر این جنایت بزرگ آن‌هم در فضای ملت‌هت‌جامعه، حکومت وحشت‌زده به تقلا افتاده است. اولین تلاش‌شان این است که جلوی درز حقایق از جانب کارگران را بگیرند و بنا بر خبرها در این فاصله یکی از کارگرانی که گزارش موقوفه را در گفتگویی شرح داده دستگیر شده است و با این رویکرد به گفته قالیباف جلال، رئیس مجلس قرار است ظرف دو هفته آینده گزارشی را برای ارائه به مردم آماده کنند. دو هفته‌ای که طی آن قرار است رد هر گونه سند و مدرکی دال بر جنایت پاک شود.

اما کارگران و مردم منتظر چنین گزارشاتی نیستند. از قبل نتیجه روشن است. از جمله یکی از معدن‌کاران معدن‌جوی می‌گوید که هشدار دادیم که معدن پر از گاز است و اینها ماسکی که به ما می‌دهند خراب است و از هر ۲۰ نفر فقط به یک نفر ماسک فیلتردار داده می‌شود و اگر شرایط استاندارد بود این اتفاق نمی‌افتاد.

عامل اصلی حکومت رانت‌خوار و دزد و چپاولگر است که باندهای مختلف مافیایی آن یک پای اصلی غارتگری در محیط‌های کار هستند. حکومتی که با قوانین جنایت‌کارانه‌اش در برابر اعتراض کارگر به این شرایط بردوار کاری کنار سرمایه‌داران ایستاده و محیط‌های کار را به قتلگاه کارگران تبدیل کرده است و ما امروز با کشتار کارگران در معدن طبس روبرو هستیم که در تاریخ پر جنایت خود جمهوری اسلامی نیز این ابعاد از کشته در محیط‌های کار بی‌سابقه است.

گفته‌های خانواده‌های جان‌باختگان معدن‌جوی و کارگران معدن طبس گوشه‌هایی از ابعاد باورنکردنی سببیت و جنایت جمهوری اسلامی در محیط‌های کار و در معدن طبس را آشکار می‌کند.

فاجعه معدن طبس و پیامدهای آن

از صفحه ۳

این گفته‌ها و تعطیل کردن کار از سوی کارگران سه معدن دیگر در این منطقه در اعتراض به این جنایت هولناک به طور واقعی رنگ و روی فضای اعتراضی کل جامعه را دارد. جامعه‌ای که ایستاده است و کوتاه نمی‌آید.

انترناسیونال: اما در پی وقوع این فاجعه، جامعه به جوش و خروش افتاد و اشخاص و نهادهای مختلفی در این مورد بیانیه داده و مردم و کارگران را دعوت به اعتصاب و اعتراض کردند. لطفاً ضمن توضیح در این باره، بفرمایید که فراخوان حزب کمونیست کارگری و خود شما رو به جامعه و طبقه کارگر چیست؟

شهلا دانشفر: فاجعه معدن طبس عمق تعفن و توحش و بردگی نظام سرمایه‌داری حاکم را نشان می‌دهد. معدنی مرگبار که باید درش را گل گرفت و صاحبانش را به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشید.

همانطور که اشاره کرده‌اید این اتفاق ناگوار و مرگبار کل جامعه را تکان داد و شوک بزرگی بود که خشم و نفرت عمیق کارگران و مردم را شدت بخشیده است. این را در بیانیه‌های اعتراضی، در اعلام همبستگی‌ها و در تحرکات مبارزاتی که در جامعه شکل گرفته است به خوبی می‌بینیم.

در واکنش به این فاجعه انسانی ابتدا گفتمانی بر سر "عزای عمومی" سرورزه در مدیای اجتماعی چرخانده شد. اما در مقابل، اسماعیل بخشی از رهبران کارگران نیشکر هفت‌تپه جلو آمد و گفت به جای #ایرانم_تسلیم، بگوییم #ایرانم_اعتصاب و فراخوان به اعتصابی سراسری در اعتراض به این فاجعه انسانی و مصائبی که هر روزه بر سر کارگران وارد می‌شود را داد.

بدین گونه گفتمان اعتصاب و هشتک آن به نماد اعتراض در بیانیه‌های اعتراضی از سوی بخش‌های مختلف جامعه تبدیل شد. معدنچیان معدن طزره که در ۱۲ شهریور شش همکارشان را در نتیجه ریزش معدن از دست داده بودند دست به اعتصاب زدند و هم اکنون همانطور که اشاره کردم سه معدن در منطقه طبس خوابیده است و کارگرانش در اعتصاب‌اند. در پی این اتفاقات است که موجی از همبستگی و اعتراض از سوی بخش‌های مختلف جامعه در حمایت از معدنچیان طبس و در اعتراض به این ابعاد از جنایت و کشتار به راه افتاده است. حزب کمونیست کارگری از این اقدام استقبال کرده همه نهادها و تشکل‌ها و فعالین در جنبش کارگری، جنبش بازنشستگان و پرستاران، و دیگر جنبش‌های اعتراضی را به پیوستن به این فراخوان و همبستگی با کارگران معدن طبس فراخوانده است. حزب دامن‌زدن به گفتمان اعتصاب سراسری را گام اول در سازماندهی عملی اعتصابات دانسته است.

و اما اجازه بدهید به همبستگی‌ها اشاره کنم که بسیار شورانگیز است و هشتک #ایرانم_اعتصاب گفتمان مهم بسیاری از این بیانیه‌هاست که از سوی بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی منتشر شده‌اند. از جمله در این مدت تشکل‌ها و نهادهایی چون شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، ندای زنان ایران، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و همچنین کارگران غیر رسمی نفت، اتحاد بازنشستگان، نهاد دادخواهان، دانشجویان دانشگاه علوم اجتماعی، چهار تشکل و نهاد اسامی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان، سندیکای شرکت واحد در این رابطه بیانیه داده و صدای اعتراض خود را بلند کرده‌اند. یک نکته قید شده در بیانیه سه‌شنبه‌های نه به اعدام از زندان اشاره به

همین موضوع است. همین‌طور شریفه محمدی این فعال کارگری که حکم اعدام دارد از زندان لاکان رشت و ناهید خداجو، نسرین جوادی خضری و ریحانه انصاری از زندان اوین در بیانیه مشترکی با معدنچیان معدنچوی و خانواده‌های جان‌باختگان در معدن طبس اعلام حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. در سطح میدانی نیز ما شاهد اشکال زیبایی از همبستگی با کارگران معدن طبس بوده‌ایم. از جمله در رشت گروهی از مردم در میدان شهرداری جمع شدند و با روشن کردن شمع و بنری که رویش نوشته بود "طبس، بابا جان داد" حمایت و اعتراض خود را اعلام کردند. روز سه‌شنبه نیز بازنشستگان کشوری در کرمانشاه با یک دقیقه سکوت در اعتراض به قربانی شدن کارگران معدن زغال‌سنگ طبس و تمامی کارگرانی که در معادن و کارگاه‌ها و کارخانه‌های ناامن قربانی سیاست‌های سودمحور حاکم بر کشور می‌شوند و نیز کشتار کولبران و سوختن مراتب همبستگی خود را اعلام داشتند. کارگران ارکان ثالث نیز در نهمین هفته سه‌شنبه‌های اعتراضی خود در پالایشگاه‌های مختلف گاز پارس جنوبی با در دست گرفتن بنری با معدنچیان طبس و خانواده‌های کارگران جان‌باخته در فاجعه تکان‌دهنده در این معدن ابراز همدردی کردند.

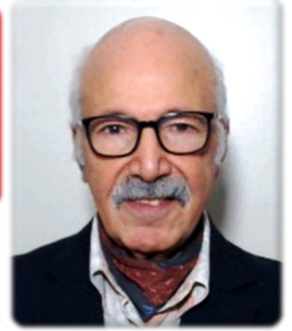
حمایت‌ها و همبستگی‌ها با کارگران معدن طبس ادامه دارد و ابعاد توده‌ای‌تری به خود گرفته است. این حمایت‌ها خود بستری برای شکل‌گیری اعتراضات سراسری کارگری نیز هست.

به نظر من طرح گفتمان اعتصاب سراسری تا هم اکنون تأثیر نافذ خود را در جامعه داشته و فضای تعرضی را شدت بخشیده است. این گفتمان را باید وسیعاً به درون جامعه برد. من هم هم‌صدا با اسماعیل بخشی و همه کارگران و مردم در سطح جامعه فراخوانم به اعتصاب و اعتراض سراسری، به گسترش همبستگی‌های مردمی، و به جهانی کردن صدای اعتراض کارگران معدن طبس است. جمهوری اسلامی این حکومت سرپا جنایت و توحش که حقوق پایه‌ای کارگران را هر روزه زیر پا می‌گذارد و جنایت می‌آفریند باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و در سطح بین‌المللی ما تلاش می‌کنیم فریاد رسای این اعتراض باشیم.

فاجعه معدن طبس ناگوار بود. اما این فاجعه باید نقطه عطفی باشد برای نقطه پایان گذاشتن به این ابعاد از توحش و بربریت در محیط‌های کار. به نظر من، هم توازن قوا و هم فضای انقلابی جامعه گویای امکان‌پذیری شکل‌دادن به اعتصابی سراسری در برخورد به این فاجعه تکان‌دهنده است. به‌ویژه امروز فریاد کارگران و کل جامعه علیه بساط جهنمی جمهوری اسلامی بلند است. نفت، یکپارچه در اعتراض است. راهپیمایی اعتراضی کارگران رسمی نفت در شهرک‌های مسکونی نصر همراه با خانواده‌هایشان در همین روزها با فریاد "حقوق عادلانه حق مسلم ماست"، در واقع پاسخی اعتراضی به این وضعیت است. کارگران ارکان ثالث روزهای سه‌شنبه‌های اعتراض خود را دارند و در پالایشگاه‌های مختلفی از مجتمع بزرگ پارس جنوبی هر هفته تجمع می‌کنند. نفت این مرکز کلیدی کارگری در التهاب است. به‌علاوه از هفت‌تپه تا گروه ملی، از ذوب‌آهن اصفهان تا مخابرات آذربایجان، از لاستیک بارز تا واگن پارس اراک و از معلمان تا پرستاران و دانشجویان همه در تب‌وتاب اعتراض‌اند و امروز معادن در صف مقدم شکل‌گیری اعتصابات سراسری قرار دارند. واکنش اعتراض کارگران معدن طزره و اعتراض در سه معدن دیگر در طبس گواه آن است. به‌علاوه اینکه بازنشستگان با تجمعات متوالی خود با فریاد "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" به صدای رسای اعتراض جامعه تبدیل شده‌اند. اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان در همین دومین سالگرد انقلاب نیز نشانه دیگری از این توازن قوا است. در این اوضاع و احوال می‌شود و ضروری است به تدارک اعتصاب سراسری رفت. ضمن اینکه اعتصابات سراسری گام مهمی در داغ کردن تنور انقلاب در

کف خیابان و قدرت‌بخشیدن به تداوم انقلاب تا رسیدن به پیروزی است. به‌علاوه

قتل حسن نصرالله و موقعیت اسرائیل و جنبش اسلامی



کازم نیک خواه

ضربات سنگین اسرائیل به حماس و حزب الله این بحث را دامن زده است که اسرائیل ممکن است بتواند حزب الله و حماس را کلاً نابود کند. بهویژه قتل فرماندهان رده بالای حزب الله در هفته های اخیر و انفجار پیجرها و بهویژه قتل حسن نصرالله این گفتمان را دامن زده است. سؤال این است که اولاً آیا این امکان برای اسرائیل وجود دارد؟ و سؤال مهم تر این است که آیا اصلاً دولت دست راستی اسرائیل چنین هدفی را در سیاست خود دنبال می کند؟

به نظرم پاسخ به هر دوی این سؤالات منفی است. اولاً نابودکردن جریاناتی مثل حماس و حزب الله در شرایط کنونی ممکن نیست. چرا که به دلایل مختلف اینها همچون خوره، طی سال ها به تدریج در تاروبود جامعه فلسطین و لبنان رسوخ کرده اند و نابودکردن آنها بدون نابودی بخش های وسیعی از مردم ممکن نیست. جنایتی که دولت نتانیاهو اکنون دارد انجام می دهد عملاً همین جهت را نشان می دهد و با انزجار بین المللی روبرو شده است. اما طی یک سال گذشته واقعیت نشان داده است که دولت اسرائیل می تواند حماس را به شدت تضعیف کند؛ اما امکان نابودی آن را ندارد. در مورد حزب الله این بحث بیشتر صادق است. حزب الله یک نیروی بزرگ تروریست با تجهیزات نظامی پیچیده است که در حد یک دولت امکانات در اختیار دارد. اسرائیل همچنان که تاکنون نشان داده می تواند آن را تضعیف کند و سرانش را یک به یک به قتل برساند. اما حتی اگر بخواهد نمی تواند آن را به طور کامل از صحنه بیرون براند. هر تلاشی در این جهت همچنان که تاکنون نشان داده شده به قیمت نابودکردن شیرازه زندگی اجتماعی مردم فلسطین و لبنان و قتل عام مردم خواهد شد. اگر بحث نابودی این نیروها مطرح باشد باید توسط خود مردم و با خیزش های مردمی صورت گیرد.

نتیجه ادامه ضربات اسرائیل بر پیکر حماس و حزب الله حداکثر می تواند تبدیل آنها از نیروهای کلاسیک نظامی به نیروهای چریکی و زیرزمینی باشد. اما چنین تحولی اسرائیل را از شر حملات آنها خلاص نخواهد کرد. برعکس یک حماس چریکی و زیرزمینی و یا حزب الله که از جلوی صحنه کنار رانده می شود و تبدیل به نیروی چریکی و مخفی شده چیزی برای از دست دادن ندارد و می تواند ضربات خطرناک تری به مردم و ارتش اسرائیل وارد کند.

تروریست ها به یکدیگر نیاز دارند

نکته کلیدی تر این است که تروریست ها به طور واقعی به یکدیگر نیاز دارند. به عبارت دیگر نه اسرائیل خواهان نابودی کامل حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی است و نه جمهوری اسلامی و حزب الله و حماس، به طور واقعی خواهان نابودی اسرائیل یا جریانات فاشیست و تروریست اسرائیلی هستند. وجود یک طرف به طرف مقابل به نوعی مشروعیت و حکمت وجودی می دهد. همین روزها نتانیاهو در مقر سازمان ملل سخنرانی کرد و نکته کلیدی سخنانش این بود که "ما برای بقا می جنگیم". این سخن از کجای ریشه گرفته است؟ از تهران، از غزه، از لبنان. جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اش شعارهای کلیدی شان نابودی اسرائیل و به دریا ریختن همه اسرائیلی ها است و چه توجیهی از این بهتر برای به قدرت رسیدن نیروهای دست راستی اسرائیل و مجهز کردن اسرائیل تا بن دندان و سازمان دادن یک دولت تماماً نظامی و پلیسی با این توجیه که ما برای بقا می جنگیم؟ در مقابل، جمهوری اسلامی و همچنین نیروهای تروریست نیابتی اش نیز توجیه وجودی شان، وجود دولتی مثل اسرائیل است که فلسطین را اشغال کرده و فلسطینیان را از خانه و کاشانه و ابتدایی ترین

امروز شنبه ۲۸ سپتامبر ارتش اسرائیل رسماً اعلام کرد که حسن نصرالله رهبر حزب الله و تکیه گاه اصلی جمهوری اسلامی در منطقه، در حملات روز گذشته به مراکز این سازمان در حومه بیروت، به قتل رسیده است. حزب الله روز گذشته این خبر را تکذیب کرد؛ اما امروز این خبر را تأیید نمود.

قتل حسن نصرالله ضربه مهلکی بر پیکر حزب الله و همچنین جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلامی است و در ادامه قتل اسماعیل هنیه و فرماندهان شناخته شده رده بالای حماس و حزب الله، توازن قوا میان اسرائیل و نیروهای اسلامی را به نحو جدی و کیفی تغییر داده و فاز جدیدی در رابطه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی و کل نیروهای اسلامی رقم خواهد زد.

طی چند ماه گذشته اسرائیل یکریز در حال تهاجم و تعرض به حماس و حزب الله بوده است و با ترور اسماعیل هنیه در تهران، پیام تحقیرآمیز و تهدیدکننده ای را به سوی جمهوری اسلامی نیز ارسال کرده است که "شما را زیر نظر داریم و می توانیم هرکس را هرکجا که بخواهیم به قتل برسانیم". برخی خبرها حاکی از بحران در درون حزب الله و شورش علیه حسن نصرالله در درون کادر رهبری حزب الله است و نشان می دهد که این نیروها از درون نیز دچار تشتت و کشاکش های جدی هستند. قطعاً این ضربات در درون جمهوری اسلامی نیز بحران های گسترده ای را دامن خواهد زد.

پیامدهای قتل حسن نصرالله و فرمانده های حزب الله و حماس، بسیار درازمدت و وسیع است و به بحث جداگانه ای نیاز دارد. اینجا می خواهم کلاً در مورد رابطه اسرائیل و جنبش اسلامی نکاتی را اشاره کنم.

اسرائیل، حماس، حزب الله و جمهوری اسلامی

این نام ها امروز همه مردم دنیا را به یاد جنگ و تروریسم و آدمکشی می اندازد. دنیا اینها را به درست محور شرارت می داند. جنگ در غزه نزدیک به یک سال است که ادامه دارد و طی آن قریب ۴۰ هزار نفر کشته شده اند و صدها هزار نفر از مردم فلسطین آواره گشته اند. طی هفته های گذشته جنگ به لبنان نیز کشیده شده و اسرائیل حملات سنگینی را به مراکز استقرار نیروهای گروه تروریست حزب الله انجام داده است. پرسروصداترین و بدیع ترین حمله قبل از حمله اخیر به مراکز حزب الله، روز ۱۷ سپتامبر صورت گرفت که چند هزار پیجر مورد استفاده حزب الله همزمان منفجر شد و چندین نفر را به قتل رساند و هزاران نفر را زخمی کرد. بنا به برخی گزارشات وضعیت اکثر زخمی ها به حدی وخیم است که اگر جان به در برند نیز امکان بازگشت به زندگی عادی و فعالیت نظامی را نخواهند داشت. پس از آن در روز بعد بی سیم های حزب الله به همان نحو منفجر شدند و شماری نیز در جریان این انفجارها به قتل رسیدند و شمار بیشتری زخمی شدند.

آنچه روشن است سخن از جنگ، گویای وضعیت کنونی نیست. در واقع این اسرائیل است که پس از حمله هفت اکتبر سال گذشته توسط حماس به درون اسرائیل، یکریز دارد به حماس و حزب الله حمله می کند و هر روز ضربه ای سنگین بر پیکر آنها وارد می کند و در کنار آنها شمار زیادی از مردم غیرنظامی را نیز به قتل می رساند. در مقابل گاهگاه از جانب طرف مقابل موشکی به سوی اسرائیل شلیک می شود که در هوا خنثی می گردد.

قتل حسن نصرالله و موقعیت اسرائیل و جنبش اسلامی

از صفحه ۵

و حامیان آن در غرب خواهد بود.

در مورد جایگاه تروریسم اسلامی و تروریسم اسرائیل در سیاست‌های آمریکا و بورژوازی بین‌المللی و اهداف آنها از حمایت از سیاست‌های اشغالگرانه اسرائیل باید جداگانه بحث کرد و آن را به‌جای دیگری موکول می‌کنم. اما تردیدی نباید داشت که سرنگونی جمهوری اسلامی سوت شروع پایان جنگ و کشاکش نظامی در فلسطین و اسرائیل را به صدا در خواهد آورد. کم نیستند در اسرائیل مردمی که از امثال نتانیاهو و دست راستی‌های تروریست و جنگ‌طلب اسرائیل متنفرند و برای خلاصی از جنگ آنها تلاش می‌کنند. با کنار رفتن جمهوری اسلامی و حاشیه‌ای شدن جریان‌های مثل حماس و حزب‌الله می‌توان بسیار امیدوار بود که در اسرائیل و لبنان و فلسطین نیز جریان‌های جنگ‌طلب و آدمکش کنار زده شوند، تفرقه قومی و مذهبی کنار زده شود و دوران دیگری در مناسبات میان مردم منطقه شروع شود.

روشن است که جنگ فلسطین و اسرائیل با جمهوری اسلامی و حماس و حزب‌الله آغاز نشده است. اما این جنگ با وجود این نیروهای اسلامی و آدمکش به اوج و پیچیدگی بی‌سابقه‌ای رسیده است. به این دلیل با سرنگونی جمهوری اسلامی قطعاً جنب‌وجوش در خود فلسطین و اسرائیل نیز اوج و روند دیگری به خود خواهد گرفت و با دخالت گسترده مردم صلح‌طلب و انسان‌دوست این جنگ می‌تواند خیلی زود پایان پیدا کند و مردم فلسطین از آوارگی نجات پیدا کنند و به‌عنوان مردمی آزاد در کنار مردم اسرائیل در دو دولت جداگانه و مستقل در صلح و آشتی زندگی کنند. چنین تحولی می‌تواند دنیا را از توحش و کشتار کنونی که توسط اسرائیل و جریان‌های اسلامی دامن زده شده خلاص کند و چنین تحولی بدون شک آرزوی اکثریت عظیم مردم دنیا است.*

امکانات زندگی محروم کرده است و به‌عنوان یک دولت فاشیست و اشغالگر شناخته می‌شود. اگر به فرض محال اسرائیل از صحنه جهان حذف شود، یا زیر فشارهای بین‌المللی و غیره ناچار شود از سرزمین‌های اشغالی بیرون برود، هیچ تردیدی نباید داشت که روز بعد از آن بساط حماس و حزب‌الله و جمهوری اسلامی جمع خواهد شد و برعکس با سرنگونی جمهوری اسلامی تروریسم دولتی اسرائیل نیز به سرایش نابدی می‌افتد و کلید حل این کلاف سردرگم را باید در همین واقعیت جستجو کرد.

به‌عبارت‌دیگر پایان دادن به جنگ تروریست‌ها در خاورمیانه و کل منطقه، مشروط به حذف یکی از طرفین این جنگ یا عقب راندن کامل یکی از آنهاست. بدون شک حذف یک طرف، طرف مقابل را نیز خلع سلاح خواهد کرد. ما مردم درایران روشن است که به دنبال نابودی و حذف دولت اسرائیل نیستیم و امکان عقب راندن آن از مناطق اشغالی را نیز نداریم. اما به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم و بارها و به‌ویژه در انقلاب زن، زندگی، آزادی دست‌به‌کار سرنگونی این حکومت شده‌ایم. تحولات و فضای جامعه ایران نشان می‌دهد که سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم کاملاً امکان‌پذیر و در دسترس است و با ادامه انقلاب و خیزش‌های مردمی این مهم عملی خواهد شد. بدون تردید با سرنگونی این حکومت پای تروریسم اسلامی توسط خود مردم در کل منطقه از جمله فلسطین و لبنان نیز قطع خواهد شد و نتیجه مستقیم و بلاواسطه چنین تحولی خلع سلاح شدن فاشیسم دست راستی اسرائیلی

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

زنده‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست. انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و حزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

جمعه خونین زاهدان:

نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم

سندج زاهدان چشم‌چراغ ایران و کرد و بلوچ و آذری آزادی و برابری به شعارهای سراسری انقلاب تبدیل شد و خدانور لجه‌ای، که دو روز پس از جمعه خونین دستگیر و به قتل رسید، سمبل اعتراضات مردم زاهدان شد.

زاهدان و سیستان و بلوچستان یک سنگر مهم مبارزه و انقلاب برای به گور سپردن حکومت منحوس اسلامی است. در دومین سالروز این جنایت هولناک حکومت، گرامی می‌داریم یاد خدانور و کلیه جان‌باختگان جمعه خونین زاهدان و صدها جان‌باخته دیگر انقلاب زن زندگی آزادی را و مردم آزاده در سراسر کشور را فرامی‌خوانیم که ۸ مهر را به یک روز مهم اعتراض علیه جنایات حکومت و در همبستگی با مردم سیستان و بلوچستان تبدیل کنیم و صدای اعتراض این مردم در سطح جهان بشویم.

گرامی باد یاد همه عزیزانی که در جمعه خونین زاهدان به خاک افتادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۳، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

روز ۸ مهر ۱۴۰۱، روز جمعه خونین و سیاه زاهدان هرگز فراموش نخواهد شد. روزی که جنایت کاران یگان ویژه تجمع مردم خشمگین نسبت به تجاوز فرمانده نیروی انتظامی حکومت به یک دختر ۱۵ ساله را به رگبار بستند و حداقل ۱۰۰ نفر از معترضین را به قتل رساندند، شمار زیادی را زخمی کردند، تعدادی از مغازه‌ها را به آتش کشیدند و بسیاری از جوانان را دستگیر کردند.

به دنبال این جنایت فجیع که برای مرعوب کردن و خانه‌نشین کردن مردم و ضربه‌زدن به انقلاب زن زندگی آزادی صورت گرفت، آتش اعتراض مردم زاهدان تندتر شد و اعتراضات در زاهدان به مدت یک سال بوقفه ادامه یافت. این اعتراضات پرشور و شجاعانه نیز هرگز فراموش نخواهد شد. اعتراضاتی که در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ثبت شد و به موجی از همبستگی با مردم سیستان و بلوچستان دامن زد. از جمله روز ۱۸ آبان ۱۴۰۱، در چهلمین روز این قتل‌عام، در کردستان و بسیاری از شهرهای دیگر مردم دست به اعتصاب زدند، دانشجویان چندین دانشگاه تحصن کردند و در تعدادی از شهرها در نقاط مختلف کشور تجمعات پرشوری شکل گرفت، شعارهایی مانند



چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند. (حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

از فایل صوتی پزشکيان تا سکوت خامنه‌ای!



محمد شکوهی

رسانه‌های آمریکایی گفت که "سخنان رئیس دولت در جمهوری اسلامی بحثی نظری و مبنایی" درباره خلع سلاح عمومی بوده است.

در این شکی نیست که متن خوانده شده توسط پزشکيان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل با خامنه‌ای و دفتر وی چک شده بود. این متن تکرار همیشگی ادعاها و تناقض گویی خامنه‌ای درباره مسائل و معضلات رژیم است که در این مناسبت‌ها تکرار می‌شود. تعامل با جهان، دفاع از تروریسم اسلامی، نابودی اسرائیل، بازگشت به برجام و تلاش برای لغو تحریم‌ها و... حضور در سازمان ملل همیشه در این سال‌ها برای رژیم تریبون دیگری برای استفاده تبلیغاتی و طرح مواضع همیشگی‌اش بوده و چیز جدیدی در میان نیست.

اما اجرای انتشار فایل صوتی پزشکيان با سخنان وی در نشست سازمان ملل تفاوت‌هایی دارد. محتوای این سخنان واکنش‌های تند باندهای حکومتی را به دنبال داشت و یک‌بار دیگر کشمکش و دعواهایشان را بالا برد و همدیگر را به عدول از سیاست و مواضع تاکتونی حکومت مبنی بر حمایت از تروریسم اسلامی و نابودی اسرائیل متهم کردند. خامنه‌ای تا حالا درباره این فایل صوتی پزشکيان ساکت بوده و چیزی در رد و یا تأیید آن نگفته فقط رئیس مجلس خبرگان گفته "در صورت صحت یک فلته [اللّسان] [لغزش زبانی] بیش نبود!" طبعاً رئیس خبرگان دیگر نمی‌تواند بدون مشورت با خامنه‌ای چنین حرفی بزند. به نظر می‌رسد از خامنه‌ای تا سران کله‌کنده نظام سکوت را به مصلحت می‌دانند، تا صفوف باندهای حکومت بیشتر از این درگیر این موضوع نشود.

اما در این میان فایل صوتی پزشکيان، نحوه و زمان به‌زبان آوردن این سخنان از طرف وی، احتمالاتی را دامن زده است. اینکه وی قطعاً همه چیز، حتی مصاحبه و موضوعات جلساتش را با خامنه‌ای چک کرده، شکی نیست و اینکه هیئت همراه وی مدام با بیت رهبری در تماس بوده که مبادا پزشکيان چیزی از اختلافات و دعوای درونی حکومت، تا آنجایی که به موضوع جنگ حماس و اسرائیل برمی‌گردد را لو بدهد، هم شکی درش نیست. اما اینجا چندین احتمال و گمانه‌زنی پیرامون هدف و محتوای فایل صوتی مطرح شده است که بد نیست اشاره‌ای گذرا به آنها داشته باشیم.

اولین احتمال این است که شخص خامنه‌ای از این سخنان پزشکيان خبر داشته و می‌خواسته از این طریق پیامی به آمریکا و متحدانش بدهد که به اسرائیل حمله نخواهد کرد.

دومین احتمال، دادن اطمینان به آمریکا و متحدانش است که قصد دخالت در جنگ در حمایت از حزب‌الله لبنان را ندارد.

سومین احتمال این است که از طریق پزشکيان این پیام را به آمریکا و غرب بدهد که حاضر است بر سر مسائل و موضوعات مورد اختلاف طرفین، از جمله موضوع جنگ اسرائیل و حماس و حوثی‌ها مذاکرات را برای پایان دادن به جنگ و جلوگیری از حمله اسرائیل به ایران در دستور بگذارد.

اگر نگاهی به مواضع خامنه‌ای در دو ماه گذشته و بعد از کشتن هنیه در تهران و هارت‌پورت کردنش برای انتقام‌گیری و حمله به اسرائیل بکنیم و در کنارش ترس و وحشت خامنه‌ای از خطر حمله اسرائیل به ایران و عواقبی که برای رژیم دارد را از نظر بگذرانیم، معلوم می‌شود که صحبت‌های پزشکيان در فایل صوتی‌اش بیانگر ترس و وحشت جمهوری اسلامی، از جمله شخص خامنه‌ای از روند جنگ و مشخصاً خطر حمله اسرائیل به ایران است. وی خواسته از طریق پزشکيان به آمریکا و غرب و اسرائیل این پیام را برساند.

هفته‌ای که گذشت پزشکيان رئیس‌جمهور رژیم در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد. قبل از سخنرانی وی خبرگزاری بلومبرگ یک فایل صوتی از وی که در گفتگو با رسانه‌های آمریکایی بود، را منتشر کرد. وی در این فایل صوتی گفته است: "ما آماده‌ایم سلاح‌هایمان را کنار بگذاریم اگر اسرائیل هم کنار بگذارد. تروریست، تروریست است. فرق ندارد چه عرب چه عجم چه فارس باشد یا اسرائیل و آمریکا باشد. اگر ترور کردند تروریست هستند."

با پخش این فایل صوتی حملات باندهای حکومتی زاویه‌دار و مخالف پزشکيان آغاز شد. ابتدا وزارت خارجه ضمن تکذیب آن، خبرگزاری بلومبرگ را متهم به دست‌کاری فایل صوتی کرد. پس از چند ساعتی خبرگزاری فارس با بازنشر این فایل صوتی نوشت: به نظر می‌رسد این اظهارات "صحت" داشته باشد. فارس در گزارشی با احتیاط بیشتر عمل کرد و نوشت "رئیس‌جمهور احتمالاً دچار سبق لسان شده است". سبق لسان به معنای خطای سهوی زبانی است!

* کیهان شریعتمداری نوشت: اظهارات نسنجیده اخیر، همچون جمله "ما با همه برادریم و با آمریکا نیز برادر هستیم" در نشست خبری رئیس‌جمهور و تکرار این بی‌دقتی جدای از سهو لسانی و ظن به رسمیت شناخته‌شدن غده سرطانی اسرائیل بوده و بدون شک بی‌دقتی و ایجاد شبهه به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی ایران و ظن معامله پشت پرده ایران و آمریکا به طور ناخواسته نیز، ضربه بزرگی را به تصویر ایران در چشم آزادگان جهان وارد خواهد ساخت.

* باندهای دوروبر جلیلی و اصول‌گرایان پایدارچی و آنچه که اینها "حلقه نیویورکی‌ها"، منظورشان ظریف، عراقچی و تخت‌روانچی می‌گویند صحبت از "فروش ایران" کرده و سخنان پزشکيان را خلاف سیاست‌های عمومی حکومت دانسته و شروع به افشاگری علیه باند دولتی‌ها کرده‌اند.

* محمدعلی موحدی کرمانی رئیس مجلس خبرگان رهبری در واکنش به فایل صوتی پزشکيان گفته است: در صورت صحت، یک فلته [اللّسان] [لغزش زبانی] بیش نبود!

* اما در میان این گلاویه‌های اصول‌گرایان از باندهای مختلف، اصلاح‌طلبان یکدست پشت پزشکيان رفته و حملات باند مقابل را مخالف سیاست‌های خامنه‌ای، آن طوری که این‌ها تعبیر می‌کنند، دانسته و به باند مقابل توصیه کرده‌اند که صحبت‌های خامنه‌ای را در نظر بگیرند!

اما پزشکيان در فایل صوتی چه گفته است؟ خلاصه صحبت‌های وی در نشست سازمان ملل تکرار و تناقض گویی‌هایش به نقل از رسانه‌ها اینها بود:

* پزشکيان ضمن محکوم کردن حملات اسرائیل و "جنایت" خواندن این کشور گفت که ایران پیشنهاد می‌دهد با یک رأی‌گیری و رفراندوم به فلسطینیان اجازه داده شود درباره سرنوشت سرزمین خود تصمیم بگیرند.

* ایران هیچ‌گاه به همسایگان خود حمله نکرده و تنها از خود "قهرمانانه" دفاع کرده. ما خواهان صلح برای همه هستیم و با هیچ‌کس سر جنگ و دعوا نداریم. آماده احیای برجام هستیم و پس از آن آماده گفتگو درباره مابقی موارد هستیم. تهران آماده است برای احیای برجام و رفع تحریم‌ها مذاکره کند و چنانچه برجام زنده شود، ایران آماده گفتگو درباره سایر موارد است.

* عراقچی وزیر خارجه رژیم درمورد سخنان پزشکيان در گفتگو با

فاجعه معدن طیس و پیامدهای آن

از صفحه ۴

حمایت‌های گسترده مردمی یک حلقه مهم در تقویت اعتراض سراسری علیه جنایتی است که در طیس روی داده است و تدارک چنین حرکتی فعالیت سازمانگرا فعالین و اکتیویست‌های کارگری و اجتماعی را می‌طلبد و فاجعه تکان‌دهنده طیس بار دیگر ضرورت چنین تلاشی را به ما گوشزد می‌کند.

در آخر بر دو نکته تأکید دارم. نکته اول تلاش برای شکل‌دهی تشکیلی سراسری در میان کارگران معدن که حقیقتاً معادن قتل و جنایت سرمایه‌داران و حکومت حامل آن هستند. با استفاده از پیشروی‌هایی که جنبش کارگری در این عرصه داشته است از جمله تجربه معلمان در ایجاد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و الگوهای از سازماندهی که

کارگران در نفت و در بخش‌های دیگر به دست داده‌اند. نکته دوم دوباره بر همبستگی با خانواده‌های جان‌باختگان فاجعه معدن طیس تأکید می‌کنم. گرمی‌داشتن یاد جان‌باختگان معدن طیس را به صحنه اعتراضی سراسری در این شهر تبدیل کنیم. با روشن کردن شمع و با فریاد اعتراضی کنار خانواده‌های دادخواه آنها باشیم. در سطح سراسری نیز وسیع‌ترین همبستگی‌ها را شکل دهیم و اجازه ندهیم که حکومت اعتراضات خانواده‌های جان‌باختگان معدن طیس و فریاد دادخواهی آنها را مورد تعرض امنیتی قرار دهد. در برابر هر دستگیری باید بایستیم و پیگیر آن شویم. از جمله در مورد دستگیری یکی از کارگرانی که گفته می‌شود به‌خاطر گزارش از موقوف دستگیر شده باید فشار بیاوریم که وی فوراً آزاد شود.

به‌علاوه باید درمان مصدومین این انفجار رایگان صورت گیرد و خانواده‌های جان‌باختگان معدن که نان‌آوران خود را در این فاجعه هولناک از دست داده‌اند از مقرری ماهانه متناسبی برخوردار شوند.*

از فایل صوتی پزشک‌های سکوت‌خامنه‌ای!

از صفحه ۸

مشکل دارد. یکی از این موضوعات خطر حمله اسرائیل است که خامنه‌ای و دولت‌ش و اساساً کل نظام را تهدید می‌کند. خامنه‌ای و پزشک‌های کل نظام به دنبال راه‌حلی برای رفع خطر از سر رژیم هستند. از این منظر هیچ بعید نیست که حکومت برای بقایش به هر عقب‌نشینی و سازشی، از جمله گفتگو با آمریکا، کم کردن حمایت‌هایش از حزب‌الله و حماس و حوثی‌ها، دست برداشتن از تهدید نابودی اسرائیل که یک شعار و مبنای هویتی رژیم است، دست بزند.

در این اوضاع و احوال مردم هم وضعیت زار و درمانده حکومت و خامنه‌ای را رصد می‌کنند. خوشحال‌اند که حکومت زمین‌گیر شده. به‌ویژه اینکه خامنه‌ای و سپاه و کل حکومت در برابر اسرائیل تحقیر و ذلیل شده و نمی‌توانند کاری بکنند. عربده‌کشی‌های نابودی اسرائیل و آزادی قدس، این شعار محوری جمهوری اسلامی مدت‌هاست که شکست خورده و حتی در میان برخی باندهای حکومتی هم جایگاهی ندارد و در بطن اوضاع و احوال جنگی فعلی بین حماس و حزب‌الله و اسرائیل، بیشتر از هر زمانی دود شده و هوارفته است. "جبهه مقاومت" خامنه‌ای به آخر خط رسیده است. باید به فکر نجات نظام باشند.

اینکه خامنه‌ای و کل حکومت موفق خواهند شد نظام ضدانسانی‌شان را از این بحران‌ها و خطراتی که در کمینشان نشسته، نجات بدهند، و چند صباحی دیگر به عمر ننگینشان ادامه بدهند، در کنار وجود خطر دائمی دخالت مردم در این اوضاع و به میدان آمدنشان برای به زیر کشیدن کل بساط جمهوری اسلامی، کاری سخت و غیرممکن برای حکومت است. در یک چنین وضعیتی که حکومت در آن گرفتار شده مردم و کل جنبش سرنگونی‌خواهی، باید یک‌بار دیگر متحد و قدرتمندتر از دوره‌های قبلی و سازمان‌یافته به میدان بیایند و جمهوری اسلامی را به زیر بکشند. راه دیگری برای پایان دادن به جنگ و تروریسم اسلامی، سرکوب و اعدام و زندان و... وجود ندارد.*

سابقه چنین موضع‌گیری‌ها و اعلام دو پهلوئی سیاست‌های خامنه‌ای از زیان رؤسای جمهور رژیم، قبلاً هم مرسوم بوده است. برای مثال دوره گفتگوهای برجام در وین که حسن روحانی تمام‌قد از توافق دفاع کرد و گفت برجام را خدا آورده و هسته سخت حکومت آن را قبول نداشت، که خامنه‌ای ضمن تذکر به روحانی آن را "نرمش قهرمانانه" خواند، فقط یک نمونه از این موارد بود.

نفس سکوت خامنه‌ای تا به امروز در مورد فایل صوتی این احتمال را قوی‌تر کرده است که ممکن است به توصیه خود وی پزشک‌های این مواضع خامنه‌ای را در جمع رسانه‌های آمریکایی مطرح کرده تا ببیند واکنش آمریکا و غرب در این مورد چیست و آیا می‌تواند زمینه‌ای برای آغاز دور دیگری از زدوبند و عقب‌نشینی در مقابل آمریکا در قبل گرفتن امتیازاتی باشد یا نه.

فایل صوتی و اعلام مواضع پزشک‌های سکوت خامنه‌ای و شعله‌ور شدن اختلافات درونی حکومت حول این موضوع، در این واقعیت تغییری نمی‌دهد که وضعیت جمهوری اسلامی، به‌ویژه بعد از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی در برابر مردم به شدت شکننده و درهم‌ریخته شده است. مضحکه انتخابات و نه دیگر مردم به حکومت و ادامه مقاومت مردم در برابر رژیم، خطر بازگشت مجدد اعتراضات و جهت‌گیری آن برای سرنگونی رژیم، بزرگ‌ترین نگرانی حکومت است. خامنه‌ای چند سال است که متوجه شده مردم این حکومت را نمی‌خواهند و مترصد فرصتی برای به زیر کشیدنش هستند. در کنار این مسئله خطر جنگ و حمله اسرائیل هم مهم‌ترین موضوعی است که رژیم را با خطرات جدی روبرو کرده است. اختلافات حکومتی هم که ادامه دارد. "دولت وفاق ملی" عملاً زمین‌گیر شده و صدها معضل و

کمک‌های مالی رسیده به حزب:



- ♦ آقای حمیدی ۲۰۰۰ دلار آمریکا
- ♦ مجید آذری ۱۰۰ دلار آمریکا
- ♦ بهرام سروش ۱۶۹۰ پوند
- ♦ بهمن خانی ۱۶۰۰ یورو

به جنگ و کشتار در خاورمیانه باید فوراً پایان داد!

این جنگ از هر دو سو سر تا پا ارتجاعی و ضدبشری است. این جنگی است مستقیماً علیه مردم فلسطین، لبنان اسرائیل، ایران و در خدمت بقا و توجیه موجودیت جمهوری اسلامی، حماس، حزب الله و همچنین نتانیاهو و ارتجاعی‌ترین محافل حاکم بر اسرائیل. این جنگی است علیه کل بشریت، که ارتکاب به جنایت علیه بشریت و اعمال جنایات جنگی را عادی‌سازی می‌کند و موجب تقویت ارتجاعی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین نیروها و دولت‌های سرکوبگر از دولت ترکیه و دیگر دولت‌های منطقه گرفته تا امثال پوتین و ترامپ و گرایش‌های دست راستی در غرب شده و می‌شود. به این جنگ باید پایان داد. مردم سراسر جهان و به‌ویژه مردم اسرائیل، ایران، لبنان و فلسطین می‌توانند و باید نقش مهمی در شکل دادن به جنبشی ایفا کنند که علیه همه طرف‌های این جنگ ارتجاعی است و پایان فوری آن و تشکیل دولت فلسطینی بر اساس طرح دو دولت را طلب می‌کند.

مردم ایران که در مبارزه‌ای گسترده علیه جمهوری اسلامی قرار دارند و می‌کوشند با متحد کردن صفوف خود رژیم اسلامی را سرنگون کنند و انقلاب عظیم زن زندگی آزادی را به پیروزی رسانند، بی‌شک می‌توانند به طور عملی نقشی پیش‌تاز و تعیین‌کننده در پایان دادن به این جنگ و کشتار در خاورمیانه ایفا کنند. مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی زن زندگی آزادی نه فقط خود را آزاد می‌کنند که شرایط رهایی از شر اسلام سیاسی که یک‌سوی این جنگ ارتجاعی و بهانه توجیه سوی دیگر آن است را فراهم می‌کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

حمله روزهای گذشته اسرائیل به نیروهای حزب الله لبنان از طریق انفجار از راه دور پیجرها و پی‌سیم‌های مورد استفاده آنها که در عین حال قربانیانی از مردم عادی گرفته و موجی از رعب و وحشت عمومی به‌ویژه در لبنان ایجاد کرده است، به جنگ و کشتار در خاورمیانه ابعاد تازه و نگران‌کننده‌ای بخشیده است.

کشته و مجروح شدن عده‌ای از غیرنظامیان در این عملیات را باید قطعاً محکوم کرد. همچنین باید توجه داشت که این انفجارها چشم‌انداز هولناک تبدیل وسائل ارتباطی که می‌تواند به‌وسیله افراد عادی جامعه نیز بکار برود به یک آلت قتاله را در برابر همگان قرار می‌دهد. دولت‌ها و نیروهای تروریستی ید طولایی در کاربرد ادوات و تکنولوژی‌های تازه جنگی علیه مردم بی‌گناه دارند. نمونه‌هایی نظیر تجربه کشتار اتمی مردم هیروشیما و ناکازاکی و بمباران خوشه‌ای مردم ویتنام و همین امروز به توپ و بمب بستن مردم غزه در جنگ جاری نشان می‌دهد که دولت‌ها هر جا منافعشان ایجاب کند از کاربرد آخرین ادوات جنگی علیه شهروندان عادی ابایی ندارند. نباید اجازه داد انفجار وسائل ارتباطی نیز به شیوه دیگری برای کشتار جمعی مردم بدل بشود.

انفجار پیجرها در دل جنگی رخ می‌دهد که در یک‌سوی آن تروریست‌های اسلامی حماس، حزب الله و جمهوری اسلامی جنایت‌کار و دیگر ایادی‌اش قرار گرفته‌اند و در سوی دیگر آن دولت فاشیست نتانیاهو و حامیان‌ش قرار دارند. این جنگ به دنبال حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل و کشتار پررحمانه غیرنظامیان آغاز شد و سپس با حمله همه‌جانبه نظامی ارتش اسرائیل به غزه ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و اکنون سایه شوم خود را به لبنان نیز کشانده است.



پاسخی به اراجیف پزشکیان و وزیر کارش در مورد معدن طبس

وسیعی با کارگران معدن و خانواده‌های کارگران جان‌باخته شروع شده است. این همبستگی‌ها و محکوم کردن‌ها ادامه مبارزه برای به گور سپردن حکومتی است که هر روز فاجعه می‌آفریند و مانع زندگی و خوشبختی مردم است. باید این همبستگی‌ها را گسترش داد. از کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور و به‌ویژه کارگران سایر معادن تا دانشجویان و هنرمندان، از دادخواهان تا کولبران و سوخت‌بران و از نویسندگان تا ورزشکاران و همه مردم آزاده باید کنار کارگران معدن طبس قرار گیرند و حکومت را به‌عنوان مسبب این جنایت هولناک محکوم کنند و خواهان محاکمه مسبب این جنایت شوند. باید گفتمان اعتصاب عمومی را هر چه بیشتر گسترش داد. در خارج کشور باید دست به تجمع و اعتراض زد و موجی از همبستگی با کارگران معدن طبس و سایر معادن به راه انداخت. تا جایی که به کارگران معادن در سراسر کشور مربوط می‌شود باید شبکه‌ای از اتحاد و همکاری در میان آنها ایجاد شود تا با مبارزه‌ای سراسری و قدرتمند مردم را به حمایت از خود فراخوانند و حکومت را وادار به بهبود ایمنی محیط کار و رسیدگی به سایر خواست‌های خود نمایند.

این فاجعه باید همه ما را به تکان وادارد، متحدتر و متشکل‌تر کند و برای سرنگونی عاملین این جنایت مصمم‌تر سازد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

در مورد فاجعه معدن طبس که به مرگ بیش از ۵۰ کارگر منجر شد، وزیر کار جمهوری اسلامی با وقاحت گفته است «معدن کار تمام ضوابط و استانداردها را رعایت کرده بود. این معدن به طور کامل مکانیزه بوده و حادثه در این معدن جزو مواردی است که قابل‌پیش‌بینی نیست.» پزشکیان نیز گفته است «این رخداد از آثار تحریم‌ها و ممنوعیت ورود تجهیزات به ایران است.»

صرف‌نظر از تناقض آشکار این دو مقام حکومت، هر دو تلاش می‌کنند اتهامی دامن کارفرما و حکومت را نگیرد و این در حالی است که کارگران می‌گویند «هشدار دادیم که معدن پر از گاز است؛ ولی توجه نکردند. ماسکی که به ما می‌دهند خراب است. از هر ۲۰ نفر فقط به یک نفر ماسک فیلتردار می‌دهند. اگر شرایط استاندارد بود این اتفاق نمی‌افتاد.» پدر محمدجواد قاسمی می‌گوید پسرش به مسئولین معدن هشدار داده بود که بلوک معدن طبس گاز دارد؛ اما آنها به پسرش و بقیه کارگرها گفتند یا با همین شرایط کار کنید یا فرم تسویه‌حساب را پر کنید. خانواده یکی از جان‌باختگان می‌گوید حتی پول حمل جنازه عزیزمان را هم خودمان باید بدسیم. بی‌شرعی مقامات حکومت اسلامی حد و مرزی ندارد. اینها فقط برای جنایت تربیت شده‌اند.

کارگران و مردم به درست انگشت اتهام را متوجه حکومت کرده‌اند و این فاجعه را در پرونده سیاه جمهوری اسلامی ثبت کرده‌اند. همبستگی



حکومت اسلامی سرنگون باید گردد

بازی دوگانه حکومت، کرنش در سازمان ملل، گردن کشی از داخل

مهران محبی

پزشکیان روز سه‌شنبه در هفتاد و نهمین اجلاس سالانه سازمان ملل با موضوع "صلح، توسعه پایدار و کرامت انسانی"

پشت تریبون قرار گرفت و به‌عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به دروغ‌گویی و چرندبافی پرداخت.

از آنجاکه برای اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس معلوم بود که پزشکیان هم مانند رئیسی و رؤسای پیشین کثیف جمهوری اسلامی در سازمان ملل به دروغ‌گویی و تلاش برای ارائه تصویری خلاف واقع از جمهوری اسلامی خواهد پرداخت، قبل از شروع به سخنرانی او سالن را ترک کرده و به‌این ترتیب یک بی‌آبرویی و بی‌اعتباری دیگر در سازمان ملل برای حکومت اسلامی رقم خورد.

کلیت سخنان پزشکیان چیزی غیر از نشخوار چرندیات همیشگی رؤسای پیشین جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان ملل نبود. اما سه نکته در سخنرانی‌اش قابل توجه هستند. اول، در ابتدا او رئیس‌جمهور شدن خود را وقیحانه حاصل اعتماد و رأی مردم به برنامه اصلاحات و اقتصاد پایدار و تعامل با جهان و شعار وفاق ملی خودش عنوان کرد و درحالی که کل دنیا از شکست انتخاباتی رژیم باخبر هستند، در یک جلسه جهانی دروغ گفت. دوم، از صلح‌طلبی و سر جنگ و دعوا نداشتن جمهوری اسلامی با دیگران حرف زد و سوم، از اعلام آمادگی حکومتش برای تعامل با اعضای آژانس اتمی برای حل بحران هسته‌ای صحبت کرد. علاوه بر این، برای حضور در نشست گفتگوی بین‌الادیانی از لیور استرنفلد، استاد دانشگاه اسرائیلی - آمریکایی دعوت کرده و با او دیدار نموده است.

پزشکیان با گنجاندن موارد ذکر شده در سخنرانی‌اش هدف ارائه تصویری متفاوت با گذشته که جهان تا به امروز از جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حکومت اسلامی با هویت ایدئولوژیکی ضدیت با آمریکا و اسرائیل و مشخصاً خواهان نابودی اسرائیل، پایگاه اصلی تروریسم اسلامی و منشأ تنش و ایجاد بحران و ناآرامی در منطقه و جهان شناخته و حکومتی که به یمن انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در محاکم و مجامع جهانی محکوم به نقض حقوق بشر شده است، دنبال می‌کرد.

این "چرخش‌ها" را نباید به حساب پزشکیان گذاشت. خود او در زمان تبلیغات انتخاباتی و همچنین در روز تحلیفش به‌عنوان رئیس‌جمهور، صراحتاً و قاطعانه اعلام کرد که همه چهارچوب‌ها و خطوط را خامنه‌ای تعیین کرده و او فقط مجری دستورات رهبر است و قرار نیست هیچ چیز تازه‌ای اضافه کند. پزشکیان در سازمان ملل فقط قرائت‌کننده متنی بود که منطبق بر شرایط بحرانی جدیدی که در داخل و خارج، حکومت را احاطه کرده و از پیش نوشته و به تأیید خامنه‌ای رسیده بود. این یک بعد از بازی حکومت بود.

بعد دیگر از بازی بلافاصله بعد از سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل با واکنش فوری عباس عراقچی عضو تیم همراهی‌کننده دولت در نیویورک شروع شد که صحبت پزشکیان مبنی بر آمادگی جمهوری اسلامی برای کاهش تنش با اسرائیل را تکذیب کرد و به‌علاوه اعلام کرد که رژیم اسلامی نسبت به حمله اخیر اسرائیل به لبنان بی‌تفاوت نخواهد بود. دو روز بعد هم خامنه‌ای در دیدار با پیش‌کسوتان جنگ ۸ساله بر ادامه مخالفت جمهوری اسلامی با به‌زعم خودش نظام سلطه به سرکردگی آمریکا تأکید کرد و جنگ جبهه مقاومت و حزب‌الله با اسرائیل را از جنس جهاد فی‌سبیل‌الله دانست.

سپس حسن خمینی طرفدار اصلاحات در نامه‌ای به حسن نصرالله اعلام آمادگی برای حضور در هر سنگری برای مقابله با اسرائیل که او لازم بداند، کرد و امام‌جمعه اردبیل قول اعزام جوانان استان‌های اردبیل و آذربایجان به لبنان را داد. روزنامه کیهان نیز در حمله به پزشکیان نوشت که سخنان نسنجیده و بسیار عجیب پزشکیان مبنی بر اینکه به شرطی که

اسرائیل سلاح‌های خود را کنار بگذارد، ما هم آماده هستیم تا سلاح‌های خود را کنار بگذاریم، باعث شده دستاویز جدیدی برای رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دشمن فراهم کند.

این بازی دوگانه برای خامنه‌ای و حکومتش در این مقطع ضروری بود. دست بالا پیدا کردن اسرائیل در جنگ با حماس و حزب‌الله و برتری‌های نظامی و تکنولوژیکی و نفوذ امنیتی اسرائیل در بالاترین رده‌های اطلاعاتی و امنیتی نیروهای محور مقاومت و جمهوری اسلامی که طی چند ماه اخیر تعداد فراوانی از سران و فرماندهان اصلی و کلیدی اردوگاه تروریسم اسلامی را به‌راحتی ترور و از بین برده و به‌این ترتیب ترس و وحشت از ترور شدن به دل همه سران حکومت و خود خامنه‌ای انداخته، ضرورت چنین کرنشی از زبان پزشکیان که آگاهانه و عامدانه با مجوز خامنه‌ای بازیگر نقش کاذب موقعیت قطبی با باندهای اصول‌گرا شده، از دل تلاش برای کاستن از خشم اسرائیل نسبت به خود و کاستن از فشارهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی درآورده بود.

اما از طرف دیگر هم خامنه‌ای مجبور بود که به طرفداران خود و گروه‌های تروریست وابسته‌اش بگوید استراتژی سیاسی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی که همانا جهاد فی‌سبیل‌الله (جنگ نه برای دفاع از کشور، بلکه برای دفاع از اسلام در هر نقطه از جهان) تغییر نکرده و نمی‌کند و صف تروریسم خود را متحد و همراه با خود نگه دارد. خامنه‌ای برخلاف کسانی مانند عراقچی و کیهان شریعتمداری مستقیم به پزشکیان حمله نکرد و اصلاً نامی از وی و سخنرانی‌اش نبرد و این حاکی از اجرای یک طرح و موضع‌گیری دوگانه مهندسی شده حکومتی بود. حملات عراقچی و شریعتمداری و دیگران به پزشکیان هم بخشی از بازی از پیش برنامه‌ریزی شده حکومت در تکرار تلاش شکست‌خورده ایجاد دوقطبی کذایی و عوام‌فریبانه میان پزشکیان و خامنه‌ای و اصول‌گرایان بود.

ولی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی در بازی شکست خوردند. اکثر صندلی‌های سالن سازمان ملل هنگام سخنرانی پزشکیان خالی بودند، صحبت‌های او جلدی گرفته نشدند و جو حاکم به ضرر جمهوری اسلامی بود و واکنش‌های غربی‌ها به سخنرانی پزشکیان به‌روشنی بیانگر بی‌اهمیت گرفته‌شدن ادعاهای او مبنی بر تغییر در سیاست جمهوری اسلامی در تعامل با جهان هستند. در این رابطه اظهار نظر دستیار معاون وزیر امور خارجه آمریکا قابل توجه است که گفته است ایران باید در عمل تغییر کند، نه در حرف. او همچنین می‌گوید که درحالی که پزشکیان سعی دارد این پیام را برساند که مایل به دیپلماسی و تعامل با جهان است، از زمان آغاز به کار دولتش برخی اقدامات نگران‌کننده از قبیل ارسال موشک بالستیک به روسیه و ادامه حمایت‌ها از گروه‌های تروریستی از سوی جمهوری اسلامی صورت گرفته و ما به استفاده از همه ابزارهای موجود برای پاسخ‌گویی در رژیم ایران ادامه خواهیم داد.

در درون حکومت و در میان گروه‌های تروریستی وابسته هم به‌خاطر هارت‌وپورت‌ها و درعین‌حال درماندگی‌های عملی و میدانی جمهوری اسلامی در برابر اسرائیل که ۴۵ سال مدعی نابودکردنش بود، توان انسجام بخشیدن را به سیاق و حدود گذشته از دست داده است و مهم‌تر از همه تشدید اعتراضات از داخل زندان‌های جمهوری اسلامی تا برگزاری تجمعات ایرانیان خارج کشور در اعتراض به حضور پزشکیان رئیس‌جمهور حکومت جنایت و کشتار و قاتل ده‌ها هزار معترض و مخالف، یاهو‌گویی‌های او را خنثی نمود.

جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها به بن‌بست رسیده و بی‌اعتبار شده است. در داخل و خارج زیر فشار و درمانده است و راهی برای برون‌رفت ندارد و عامل اصلی درماندگی‌ها و بن‌بست‌های همه‌جانبه آن، در جریان بودن انقلاب است. انقلاب است که حکومت را از مشروعیت انداخته و در سطح بین‌المللی رویش حسابی نمی‌کنند.*

اعتصاب عمومی در اعتراض به کشتار معدنچیان طبرس

شایسته‌ای علیه جنایتی است که عامل مستقیم آن حکومت اسلامی است. اعتصاب در همراهی و همبستگی با کارگران معدن طبرس و خانواده‌های جان‌باختگان معدن و با خواست محاکمه مسببین این فاجعه.

گفتمان اعتصاب عمومی و #ایرانم_اعتصاب را همه‌جا دامن بزنیم و همه‌جا برای عملی‌شدن اعتصاب عمومی تلاش سازمان‌یافته‌ای را در دستور قرار دهیم. این قدم مهمی در جهت بالفعل کردن اعتصاب در سراسر کشور است. اعتصاب عمومی در کردستان که بارها از جمله در روز ۲۵ شهریور، دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، با موفقیت سازمان داده شده است، تجربه مهمی در این زمینه است.

#ایرانم_اعتصاب

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

اسماعیل بخشی. چهره سرشناس جنبش کارگری همه کارگران و مزدبگیران را "در اعتراض به شرایط اسفناک ایمنی محیط کار" به اعتصاب سراسری فراخوانده و از مردم شریف ایران خواسته است به جای "ایرانم تسلیت"، "بگویند #ایرانم_اعتصاب".

اعتصاب عمومی و سراسری در کشور یک تاکتیک مهم مبارزاتی در شرایط کنونی است که درعین حال راه را بر تجمعات و تظاهرات‌های وسیع و توده‌ای نیز هموار می‌کند. فاجعه معدن زغال‌سنگ طبرس که عامل مستقیم آن حکومت اسلامی است، کل جامعه را در خشمی عمیق فروبرده است. اما این فاجعه نه اولین بار است نه آخرین بار. باید اقدامی کرد. باید خشم عمومی را به اقدامی قاطع علیه حکومت قاتل و فاسد و دزد اسلامی و سران جنایت‌کار آن تبدیل کرد. نباید کارگران معادن را که هر ماه دچار این فجایع می‌شوند تنها گذاشت.

اعتصاب عمومی توسط کارگران، معلمان، کادر درمان، دانشجویان، دانش‌آموزان و کارکنان مؤسسات دولتی و مغازه‌داران عکس‌العملی بجا و



چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

در اعتراض به حبس خانگی گوهر عشقی

خود راه نخواهم داد. حسرت هرگونه آهی را بر دلشان خواهم گذاشت و اعتصابم را تا جایی ادامه می‌دهم که به ستارم ببینند. «
جلوگیری از تحصن گوهر عشقی و سپس محاصره خانه او گواه ترس و وحشت جمهوری اسلامی است. ترس و وحشت از پیوستن مردم معترض به او و گسترش تحصن و اعتصاب و اعتراض در سراسر کشور است.»

حزب کمونیست کارگری مردم آزاده ایران را فرامی‌خواند که همراهی خود را با گوهر عشقی و خانواده‌های دادخواه از طریق پیام‌های حمایتی، با حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی تا نوشتن شعارهای اعتراضی بر درودیوار اعلام کنند. باید فوراً به حبس خانگی گوهر عشقی و تهدید سحر بهشتی پایان داده شود. به محاصره خانه گوهر عشقی و تهدید سحر بهشتی باید پایان داده شود و دایه مینا و سایر دادخواهان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی آزاد گردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

طبق خبری که در صفحه گوهر عشقی در شبکه ایکس منتشر شده است، روز دوشنبه دوم مهر نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی محل زندگی او را محاصره کرده و هر نوع رفت‌وآمد را کنترل می‌کنند. در این گزارش گفته شده که از غروب روز یکشنبه اول مهر، «مأموران حاکمیت سیاه، با استقرار در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف خانه او منطقه را محاصره کردند و با قطع کامل ارتباطات تلفنی و موبایل، وی را از هرگونه تماس با جهان بیرون محروم کردند.» تلاش‌های سحر بهشتی برای تماس با مادرش بی‌نتیجه مانده است.

محاصره خانه گوهر عشقی عکس‌العمل حکومت به تصمیم گوهر عشقی برای رفتن به تهران و تحصن در مقابل دفتر سازمان ملل در اعتراض به بازداشت دایه مینا سلطانی مادر شهریار محمدی صورت گرفته است.

سحر بهشتی دختر گوهر عشقی نیز که توسط مأموران جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار گرفته گفته است: «اگر اتفاقی برای من یا خانواده‌ام بیفتد، مسئولش حکومت است. در صورت بازداشت، اینجا اعلام می‌کنم: از همان لحظه اعتصاب غذا خواهم کرد و ذره‌ای ترس به

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و دیگر اخبار اعتراضی

امروز یکم مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع داشتند. بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، تهران، اهواز، کرمانشاه، و بازنشستگان معدن و فولاد در اصفهان، اهواز و البرز مرکزی تجمع داشتند.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "دولت سرسپرده، گرونی رو آورده!"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "تجمع"، "اعتراض"، "حق مسلم ماست"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم"، "اسماعیل گرامی، آزاد باید گردد"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "مشکل ما حل نشه، یکشنبه‌ها می‌آییم"، "نه سرما، نه گرما، نیست جلودار ما"، و "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته".

بازنشستگان در شوش مثل همیشه از کرخه و شوش و هفت تپه جمع شده بودند و با فریاد شعارهای اعتراضی‌شان و سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" اعتراض خود را علیه توحش و بردگی حاکم اعلام داشتند.

در این اعتراضات بازنشستگان معدن و فولاد با شعارهای "فولادی داد بزن حقو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. در اصفهان بازنشستگان فولاد با فریاد "معدن کاران طبع، تسلیت، تسلیت، خشم و نفرت خود را نسبت به انفجار و فاجعه انسانی در معدن طبس که بنا بر اخبار تا کنونی جان ۵۱ کارگر را گرفته، اعلام کردند.

اعتراض بازنشستگان به فقر، تورم و گرانی، به دستمزدهای ناچیز و بساط فساد، و چپاول، و به سرکوب و زندان است. بازنشستگان با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم هستند.

اعتراضات در میان بخش‌های مختلف کارگران و مردم گسترده است. در این روز کارگران شاغل در مخابرات منطقه آذربایجان شرقی نیز در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق ماهانه و مطالبات معوقه و پاسخ نگرفته دست به تجمع زدند. همچنین راهداران شاهرود و میامی در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و با مطالبه اجرای چارت راهداری و حمل‌ونقل و بهبود شرایط کاری‌شان برای پنجمین روز متوالی تجمع کردند. تجمع دیگر از سوی معلولان بود که به خاطر شرایط بد معیشتی، و درمانی خود مقابل سازمان برنامه‌بودجه تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴



تجمع اعتراضی کارگران در پتروشیمی ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز یکم مهرماه کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در ادامه تجمعات اعتراضی قبلی خود برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. کارگران پتروشیمی ارغوان گستر به اخراج‌ها و عدم تمدید قراردادهای کاری خود اعتراض دارند.

اعتراض شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکت‌های هم‌جوار، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت پتروکارت، کسر مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، مشکلات مکرر در پرداخت به‌موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت طلب‌هایشان بابت اضافه‌کاری‌ها، عدم اجرای مصوبات صورت‌جلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، و عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو است.

اعتراضات در بخش‌های مختلف نفت گسترده است. از مبارزات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

با گوهر عشقی و مادران دادخواه وسیعاً همراهی کنیم

گوهر عشقی مادر زنده‌یاد ستار بهشتی و یکی از چهره‌های محبوب و شناخته شده دادخواه، برای فردا دوشنبه در حمایت از مادر دادخواه مینا سلطانی و دیگر دادخواهان در برابر مقر سازمان ملل در تهران اعلام اعتصاب‌غذا کرده است و همگان را به حمایت فراخوانده است. بیش از ده روز است که دایه مینا سلطانی در بازداشت به سر می‌برد و شمار دیگری از دادخواهان نیز توسط حکومت جنایت‌کار اسلامی دستگیر و زندانی شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری از حرکت اعتراضی گوهر عشقی حمایت می‌کند و همه مردم را فرامی‌خواند که به هر شکل ممکن از این حرکت حمایت کنند و انزجار خود را نسبت به فشار به خانم مینا سلطانی و همه دادخواهان ابراز کنند.

حکومت اسلامی به دلیل جنایات بی‌شمارش در حق معترضین و خانواده‌های دادخواه و همه مردم باید مورد وسیع‌ترین اعتراضات و محکومیت بین‌المللی قرار گیرد و بیش‌ازپیش منزوی و در سطح جهانی بایکوت شود.

به فضای اعتراضی گسترده در سراسر جامعه زمینه عینی و آماده‌ای را برای گسترش کارزارها و اعتراضات و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی حکومت ضدانسانی اسلامی فراهم آورده است. با گسترش اعتراضات و انقلابیمان می‌توانیم و باید هرچه زودتر جامعه را از شر این حکومت منفور خلاص کنیم. نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه‌های مجتمع گاز

پارس جنوبی

همبستگی با معدنچیان طبس و خانواده‌هایشان

امروز سوم مهرماه کارگران پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی خود برای هشتمین هفته متوالی جهت پیگیری مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمعات کارگران با معدنچیان طبس و خانواده‌های کارگران جان‌باخته در فاجعه تکان‌دهنده انفجار در این معدن ابراز همدردی کردند.

مطالبات فوری این کارگران عبارت‌اند از: بازگشت به کار حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه‌بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی، از جمله مطالبات این کارگران است.

در این روز همچنین کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در نهمین روز اعتراض خود دست به تجمع زدند. مطالبات فوری این کارگران عبارت‌اند از: تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکت‌های هم‌جوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، کسر نکردن مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، رفع مشکلات مکرر در پرداخت به‌موقع حق بیمه اجتماعی، پرداخت اضافه‌کاری ماه رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، اجرای مصوبات صورت‌جلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو معترض هستند.

بخش‌های مختلف کارگران صنعت نفت در اعتراض‌اند. از خواست‌ها و اعتراضات آنها پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

۲ مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران نفت

پنجمین روز تجمعات اعتراضی در پتروشیمی ماهشهر، و ادامه اعتراضات کارگران رسمی مراکز مختلف

امروز دوم مهرماه اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت کار اصلی بارگیری مواد شیمیایی از مخازن کشتی‌ها در اسکله را انجام می‌دهند. خواست‌های اعلام شده آنها عبارت‌اند از: اجرای تبدیل وضعیت شغلی آنان مطابق با شرکت‌های هم‌جوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، پرداخت کسورات پاداش‌های بهره‌وری به همراه معوقات سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آنها بابت اضافه‌کاری‌ها. این کارگران همچنین خواستار پرداخت مطالبات بیمه‌ای خود هستند که در برخی ماه‌های سال به‌موقع پرداخت نمی‌شود.

بنا بر گزارشات منتشر شده در این روز همچنین کارگران رسمی نفت در مراکز مختلفی تجمع داشتند و اعتراض خود را به تعرضات معیشتی حکومت اعلام داشتند. این اعتراضات از جمله در مراکز چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوی‌های ۴۰ گانه POGC و در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند. خواست‌های فوری اعلام شده کارگران رسمی نفت عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌آپ و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده.

اعتراضات در بخش‌های مختلف صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری گسترده است. از مبارزات این کارگران حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

امروز دوم مهرماه بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه‌های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تهران، سنج، اردبیل، رشت، و قائم‌شهر با شعارهایی مثل "تا حق خود نگیریم از پانمی‌نشینیم" برگزار شده‌اند.

در این روز همچنین کارکنان مخابرات منطقه تهران در اعتراض به تأخیر پرداخت حقوق ماهیانه خود و با اعلام اینکه در صورت عدم دریافت تا هر روزی که حقوق داده شود این تجمع و اعتراضات را ادامه خواهند داد در محوطه حیاط ساختمان شاهد تجمع کردند.

اعتراض بازنشستگان در سطح سراسری به فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و بساط سرکوب حکومت است. بازنشستگان مخابرات بعلاوه به عدم اجرای آیین‌نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی‌شان ایجاد می‌کند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی‌شان از بیست درصد به پنجاه‌درصد اعتراض دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده‌بالای حکومت تا بیت‌خامنه‌ای هستند، سهام‌داران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند از اعتراضاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل‌مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌دوره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به‌صورت قانون در آمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه‌کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است.

(سرمایه‌داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

تجمع بازنشستگان کشوری در کرمانشاه و ادامه اعتراض کارکنان شاغل شرکت مخابرات تبریز

امروز سه‌شنبه سوم مهرماه بازنشستگان کشوری در شهر کرمانشاه در ادامه اعتراضات تاکنونی خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. تجمع امروز بازنشستگان در کرمانشاه با یک دقیقه سکوت در اعتراض به قربانی شدن کارگران معدن زغال‌سنگ #طپس و تمامی کارگرانی که در معادن و کارگاه‌ها و کارخانه‌های ناامن قربانی سیاست‌های سودمحور حاکم بر کشور می‌شوند و نیز کشتار کولبران و سوختبران، برگزار شد. سخنرانان ضمن برشمردن مطالبات خود، به نهادهای امنیتی هشدار دادند که از احضار و دستگیری فعالان صنفی خودداری کرده و با تعمق بیشتر به اعتراضات آنها بپردازند.

در حین تجمع، نیروهای انتظامی قصد دستگیری دو خانم رهگذر به‌خاطر پوشش اختیاری داشتند که بازنشستگان با شعار "روسی را رها کن - فکری به حال ما کن"، مانع دستگیری آنان شدند. در خاتمه بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم محل تجمع و بر ادامه اعتراضات خود تأکید کردند.

در این روز همچنین کارکنان شاغل در مخابرات تبریز برای سومین روز متوالی برای پیگیری مطالبات خود مقابل شرکت مخابرات استان آذربایجان شرقی تجمع کردند. مطالبات فوری این کارکنان عبارت‌اند از: پرداخت معوقات، مابه‌التفاوت‌ها، مزایا و حق بیمه‌ها به سازمان تأمین اجتماعی، اجرای مواد ۴۸ و ۴۹ قانون کار، طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت پایه سنوات، اصلاح و اجرای درست عناوین و گروه‌های و اعمال حق جذب و تخصص.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

همبستگی اجتماعی با معدنچیان طپس و خانواده‌هایشان ادامه دارد

به دنبال فاجعه معدن ایرانجوی طپس و جان‌باختن بیش از ۵۰ کارگر جامعه یکپارچه خشم و نفرت و اندوه است و همبستگی‌ها گسترش می‌یابد.

امروز سه‌شنبه سوم مهرماه کارگران معدن طزره در واکنش به این فاجعه تکان‌دهنده و در اعتراض به نداشتن امنیت در محیط کار دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. در سال گذشته در ۱۲ شهریور بود که ریزش معدن طزره جان شش کارگر را گرفت و خانواده‌ها همکارانشان را داغدار کرد.

امروز کارگران پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی که در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی خود برای هشتمین هفته متوالی تجمع داشتند با معدنچیان طپس و خانواده‌های کارگران جان‌باخته ابراز همدردی کردند.

همچنین تشکل‌های مختلف کارگری و بخش‌های مختلف مردمی با بیانیه‌های اعتراضی خود با کارگران معدن طپس اعلام همبستگی کرده‌اند. گوشه‌هایی از این همبستگی‌ها را در اینجا بازنویس می‌دهیم:

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران می‌نویسند: ما درد مشترکیم. برای یافتن نان، جان می‌دهیم. #ایرانم_اعتصاب را فریادکن! واقعه هولناک #معدن_طپس بار دیگر تن و جان همگان را لرزاند. ما پرستاران و کادر درمان، شاهدان هر روزه فجایع کاری در ایران هستیم. مصدومان محیط‌های کاری از سوختگی و برق‌گرفتگی تا پرتاب از ارتفاع و قطع عضو از مراجعات هر روزه به مراکز درمانی هستند. شاهد جان‌باختن کارگرانی هستیم که جانشان را در دست گرفته و به محیط‌های کاری غیرایمن وارد می‌شوند. ما پرستاران و کادر درمان نیز که در نبود استانداردها و ایمنی لازم تجهیزات و ناایمن بودن محیط کار همواره با بیماری‌ها و خطرات جانی روبرو هستیم با خانواده‌های فاجعه #معدن_طپس ابراز همدردی

می‌کنیم. باید به این قتل هر روزه نیروی کار در ایران پایان داد. با اسماعیل بخشی از رهبران اخراجی اعتصابات نیشکر هفت‌تپه هم‌صدا می‌شویم: #ایرانم_اعتصاب. خواست محاکمه عاملین چنین جنایاتی مطالبه همگانی و خواست عموم مردم است."

- شورای بازنشستگان ایران نیز در بیانیه‌ای با عنوان "قتلگاه کارگران، گنج گاه سرمایه‌داران" می‌نویسد: "معدن ایران بوی مرگ می‌دهند! از کرمان تا شازند از یورت تا طپس، کارگران می‌میرند". در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "فاجعه معدن طپس یک کشتار جمعی به دست متولیان و مدافعان وضع موجود است. بیش از ۵۰ کارگر را کشته‌اند و بیش از ۵۰ خانوار کارگری در فقر طپس با نان آورشان دفن خواهند شد. اینها مرگ ناشی از حادثه نیست همچنان که در یورت و پلاسکو و متروپل نبود. جنایتی به وقوع پیوسته و مسببان باید در پیشگاه نمایندگان واقعی معدن‌کاران و خانواده‌هایشان محاکمه شوند تا مشخص شود که کجا و چگونه برای تأمین منفعت بیشتر با جان مردم بازی کرده‌اند.

اعلام عزای عمومی و اعلام "رسیدگی فوری به ماجرا"، سیاست نخ نمایی است که به‌جز خشم بیشتر طبقه کارگر و خانواده‌های مصیبت‌دیده را در پی نخواهد داشت. ما در یک قطار نیستیم. "این حادثه طبیعی نیست، بی‌اعتنایی به جان کارگران است. کارگران به مسئولان هشدارهای می‌دهند، مسئولان اعتنا نمی‌کنند. منابع مطلع از رویداد انفجار معدن طپس گفته‌اند که کارگران از روز قبل درباره نشت گاز به مدیران اطلاع داده بودند، اما آنها بی‌توجهی گفته بودند که به کار ادامه دهید."

- شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نوشته است: "برای آنهایی که تنها کفش‌هایشان به‌جامانده. حادثه غم‌انگیز و دلخراش جان‌باختن ۵۱ نفر از کارگران معدن طپس را به خانواده این عزیزان، تمام کارگران و مردم ایران صمیمانه تسلیت می‌گوییم... باید کمیته حقیقت‌یابی برای بررسی این فاجعه با حضور نمایندگان واقعی کارگران تشکیل گردد و عاملان و مسببان این فاجعه هولناک شناسایی شده و مجازات شوند."

- ۴ تشکل و گروه کارگری به اسامی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان طی بیانیه‌ای مشترکی تحت عنوان "سود و سرمایه - مرگ و سانحه" صدای اعتراض خود را به این جنایت آشکار بلند کردند.

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نوشته است: "عاملین جنایت در معدن طپس از جنس همان کسانی هستند که بارها و بارها همکاران ما را به‌خاطر نبود ایمنی محیط کار در دیگر معادن و دیگر مراکز کارگری و در نفت که یک‌پارچه خطر است و بارها قربانی داده‌ایم. همان سودجویان کثیف و جنایت‌کاری که حاضر نیستند اندک هزینه‌ای برای ایمن شدن محیط‌های کار متقبل شوند. حاضر نیستند وقفه‌ای در چرخه تولیدشان صورت گیرد حتی اگر از قبلاً به آنها خطر گوشزد شده باشد و دارند هر روزه جنایت می‌کنند."

- نهاد دادخواهان نوشته است: "ما همه دادخواهیم! هم‌درد خانواده‌های جان‌باختگان #معدن_طپس هستیم! عزیزان ما، به دست حکومت سرمایه‌داران مفت‌خور مافیایی، با گلوله و طناب دار به قتل رسیده‌اند. حکومتی که جان انسان‌ها را، برای بقای چپاول و سوداندوزی خود قربانی می‌کند! با همه خانواده‌هایی که عزیز و نان‌آورشان را در فاجعه #معدن_طپس از دست دادند، هم‌درد و همراهیم! #نه_میبخشیم_نه_فراموش_میکنیم."

- سندیکای شرکت واحد: سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های جان‌باختگان این فاجعه انسانی، علاوه بر کارفرما، کلیه مقامات ذی‌ربط از جمله وزارت کار و اداره کار استان را به دلیل عدم بازرسی دقیق محیط کار به لحاظ ایمنی محکوم می‌کند و خواستار محاکمه عاملان این فاجعه جبران‌ناپذیر و پرداخت غرامت و حقوق و مزایا به خانواده‌های این عزیزان می‌باشد. صدمه به یک کارگر در هر جا، صدمه به همه ماست.

اتحاد بازنشستگان می‌نویسد: "این حادثه طبیعی نیست، بی‌اعتنایی به

اعتراض خانواده‌های جان‌باختگان معدن

همبستگی‌ها ادامه دارد

امروز پایان عملیات "نجات معدنچیان" از اعماق صدمت‌زیمی زمین از سوی حکومت اعلام شد. این در حالی است که بعد از خبر جان‌باختن ۵۲ معدنچی حکومتمیان گفته بودند که هنوز تعدادی در اعماق زمین حبس هستند.

انفجار در تونل معدن معدنچو کارگران معادن در این منطقه و دیگر مناطق را دچار خشم فراوان کرده است. بنا بر گزارشات کارگر سه معدن دیگر در طبس حاضر به کار نشده و در اعتصاب‌اند. روز گذشته نیز همانطور که گزارش کردیم کارگران معدن در طرزه دست به اعتصاب زدند و اکنون زمزمه‌های اعتراض در تمام معادن بلند است. در عین حال خانواده‌های معدنچیان جان‌باخته صدای دادخواهی‌شان بلند است. گوشه‌های از اظهارات و اعتراضات خانواده‌ها را اینجا می‌خوانید:

یکی از خانواده‌ها می‌گوید: کارگران معدن صبح اطلاع می‌دهند که بوی گاز در تونل پیچیده و در پاسخ به آنها میگن "اگر دوست داری کار کن نمی‌خواهی برو"

- خانواده یکی دیگر از کشته‌شدگان معدن طبس با خشم و اعتراض به روزنامه «شرق» می‌گوید: "بنویسید با ما چه کردند، حتی پول حمل جنازه عزیزمان را هم خودمان باید بدهیم. از ۱۵ تا ۲۰ میلیون دادیم تا تن بی‌جان‌شان را به خانه ببریم. آن‌هم بدون سردخانه، فقط چندتکه یخ به ما می‌دهند تا روی آن‌ها بگذاریم."

یکی دیگر از اعضای خانواده کارگران کشته شده می‌گوید: "گفتند کیسه بخرید و برای تحویل جنازه‌هایتان بیاورید."

همسر. علیرضا کدئی، یکی از کارگران معدن که هم اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است، می‌گوید: "همسر در بخش مراقبت‌های ویژه است. ماه اول کارش بود، اصلاً نمی‌دانیم حقوقش را می‌دهند یا نه. بیمارستان گفته او را بیمه درمانی نکرده بودند، از طرفی دکترها می‌گویند شاید نیاز باشد تا مدت‌ها تحت نظر باشد. نمی‌دانم بابت همه این هزینه‌ها چه کنم."

مادر یکی از جان‌باختگان می‌گوید: "جوانان ما بدون ایمنی کار کردند و پدرش می‌گوید: "همه کتوشلوار می‌آیند عکس بگیرند و با یک دست اشاره می‌کنند که پله ما داریم کاری می‌کنیم. برو دنبال کارت. آمده‌اند و همه خنده می‌کنند. جوان مردم دارد در کار تلف می‌شود. آمده آنجا نوشابه‌اش را بخورد. ساندویش را بخورد و فقط قدم بزند. از مسئولین معدن هم کسی سراغ ما نیامده."

از سوی دیگر همبستگی با خانواده‌های معدنچیان طبس گسترش می‌یابد و ابعادی اجتماعی و توده‌ای به خود می‌گیرد. در ادامه گزارش روز گذشته و علاوه بر تشکل‌هایی که قبلاً اعلام همبستگی و اعتراض کرده بودند، امروز نیز همبستگی‌ها ادامه یافت. نهاد ندای زنان ایران با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کرده و می‌نویسد: "همدردی و دادخواهی برای جان‌باختگان معدن طبس: ما همه دادخواهیم و با خانواده‌های جان‌باختگان فاجعه معدن طبس هم‌دردیم. عزیزان ما نه تنها به واسطه گوله و طناب دار، بلکه به دست حکومت سرمایه‌دارانی که در سایه مافیاهای مفت خور عمل می‌کنند، به قتل رسیده‌اند. این حکومتی است که برای حفظ قدرت، چپاول و انباشت ثروت، جان انسان‌ها را قربانی می‌کند. ما با تمام خانواده‌هایی که در این فاجعه دردناک عزیزان و نان‌آوران خود را از دست داده‌اند، همراه و همدل هستیم."

گروهی از معلمان در لنگرود نیز تجمع کردند و با سخنرانی‌هایشان با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کردند.

همچنین سه فعال کارگری زن از بند زنان اوین به اسامی ناهید خداجو، ریحانه انصاری نژاد و نسرين خضر جوادی طی بیانیه‌ای پیرامون "فاجعه معدن معدنچو" با خانواده‌های جان‌باختگان در این فاجعه تکان‌دهنده اعلام همبستگی کردند.

جان کارگران است. کارگران به مسئولان هشدارهای می‌دهند، مسئولان اعتنا نمی‌کنند. منابع مطلع از رویداد انفجار معدن طبس گفته‌اند که کارگران از روز قبل دربارۀ نشت گاز به مدیران اطلاع داده بودند، اما آنها با بی‌توجهی گفته بودند که به کار ادامه دهید.

شریفه محمدی این فعال کارگری که با حکم اعدام در زندان لاکان رشت به سر می‌برد همدردی خود را با خانواده کارگران کشته شده در حادثه معدن طبس اعلام کرده است.

بازنشستگان کشوری در کرمانشاه نیز در اعتراض به قربانی شدن کارگران معدن زغال‌سنگ #طبس و تمامی کارگرانی که در معادن و کارگاه‌ها و کارخانه‌های نامن قربانی سیاست‌های سودمحور حاکم بر کشور می‌شوند و نیز کشتار کولبران و سوختبران، یک دقیقه اعلام سکوت کردند و به این جنایت اعتراض کردند.

همانطور که قبلاً گزارش کردیم اسماعیل بخشی. کارگر اخراجی و از رهبران کارگران نیشکر هفت تپه همگان را به خاطر جنایت تکان‌دهنده‌ای که در معدن طبس روی داد و مصائبی که هر روزه بر سر کارگران می‌آید به اعتصاب سراسری فراخوان داده است. هشتگ #ایران_اعتصاب به هشتگ این فراخوان تبدیل شده است. در فضای انقلابی جامعه گفتمان بر سر اعتصاب سراسری قوت یافته است. وسیعاً به تدارک آن برویم

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

تجمع کارگران رسمی نفت در شهرک‌های مسکونی جم همراه با خانواده‌ها

حقوق عادلانه حق مسلم ماست

روز گذشته سوم مهرماه کارگران رسمی نفت ساکن در شهرک‌های مسکونی جم همراه با خانواده‌های خود و در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. حضور خانواده‌ها در این حرکت اعتراضی صحنه با شکوهی از اعتراض ایجاد کرده بود و جمعیت درحالی که راهپیمایی می‌کردند با شعار "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" و دیگر شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. شرکت خانواده‌ها در اعتراضات کارگری قدرت‌بخش اعتراضات است و ادامه و گسترش آن تحولی کیفی در مبارزات کارگران در نفت خواهد بود. حزب کمونیست کارگری بر حضور و شرکت فعال خانواده در اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری تأکید دارد.

اعتراضات کارگران رسمی سراسری است و از مهرماه سال گذشته آغاز شده است. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مازاد مالیات کسر شده.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴



مافیاهای مفت خور عمل می کنند، به قتل رسیده اند. این حکومتی است که برای حفظ قدرت، چپاول و انباشت ثروت، جان انسانها را قربانی می کند. ما با تمام خانوادههایی که در این فاجعه دردناک عزیزان و نان آوران خود را از دست داده اند، همراه و همدل هستیم.

گروهی از معلمان در لنگرود نیز تجمع کردند و با سخنرانی هایشان با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کردند.

همچنین سه فعال کارگری زن از بند زنان اوین به اسامی ناهید خداجو، ریحانه انصاری نژاد و نسرين خضر جوادی طی بیانیه ای پیرامون "فاجعه معدن معدنچو" با خانواده های جان باختگان در این فاجعه تکان دهنده اعلام همبستگی کردند.

هم اکنون هشتگ #ایران_اعتصاب که اسماعیل بخشی فراخوان داده بود، داغ است. جامعه یک پارچه خشم و نفرت است. وسیعاً به این کارزار پیوندیم. اعتصابات سراسری پاسخ در خورد جنایات حکومت است.

در کنار خانواده های جان باختگان باشیم و اجازه ندهیم که زیر فشار حکومت قرار گیرند و هم صدا با آنها بر محاکمه عاملین این جنایت و حامیان آنها در حکومت تأکید کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

همبستگی با کارگران معدنچوی طبس، تجمع اعتراضی پرستاران در یزد و اخباری دیگر

فاجعه معدنچوی طبس و کشتار بیش از ۵۰ کارگر در انفجار این معدن توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و همبستگی با معدنچیان و ابراز همدردی با خانواده های آنان ابعاد اجتماعی و توده ای تری به خود می گیرد. روز گذشته در رشت جمعی از مردم با روشن کردن شمع و به دست گرفتن بنری که بر رویش نوشته شده بود "طبس"، "بابا جان داد" خشم و نفرت خود را نسبت به مسببین این جنایت اعلام کردند و با خانواده های کارگران جان باخته ابراز همدردی و همبستگی کردند. همان گونه که قبلاً گزارش کردیم در روزهای گذشته نیز شکل های متعددی با بازماندگان کارگران جان باخته اعلام همبستگی کردند.

بنا به یک گزارش دیگر روز گذشته در یزد استارت دور جدید اعتراضات پرستاران زده شد و پرستاران و کادر درمان از بیمارستان های مختلف این شهر در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان در محل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمان صدوفی یزد تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. مطالبات اعلام شده این پرستاران عبارت اند از: صدور احکام جدید بر مبنای افزایش حقوق و سختی کار و فوق العاده خاص با ضریب مناسب، محاسبه کارانه پرستاران بر اساس ثبت اقدامات پرستاری موجود در کتاب ارزش گذاری خدمات پزشکی به نام پرستاران، برخورداری از مزایای رفاهی و مناسبتی، مانند سایر کارکنان دولت و نهادهای عمومی و حذف اضافه کاری اجباری، پرداخت دستمزد مناسب بر اساس تورم موجود سالیانه و بر اساس فرمول اداره کار و قانون ارتقای بهرهوری.

اضافه کاری های اجباری و کمبود پرستار و تحمیل فشار سنگین کاری بر کرده پرستاران، عدم ایمنی شرایط کاری و استاندارد پایین بهداشتی و درمان در بیمارستان ها و حقوق های ناچیز از جمله موضوعات اعتراضی پرستاران است. در رابطه با این موضوعات اخیراً پرستاران اعتراضات گسترده ای در سطح سراسری داشته اند که دامنه آن ده ها شهر و بیش از ۹۰ بیمارستان را در بر گرفت. اعتراضاتی که به مرکز توجه جامعه تبدیل شد و حمایت بسیاری را همراه داشت. پرستاران برای اول مهر کارزار نه به اضافه کاری اجباری را اعلام کرده بودند و عملاً با عدم قبول اضافه کاری، اعتصابی را شکل دادند و این خود باعث تحمیل عقب نشینی هایی به حکومت شد. با تجمع اعتراضی روز گذشته پرستاران در یزد شروع دور دیگری از اعتراضات پرستاران کلید می خورد. از خواست ها و مطالبات پرستاران وسیعاً حمایت کنیم.

هم اکنون هشتگ #ایران_اعتصاب که اسماعیل بخشی فراخوان داده بود، داغ است. جامعه یک پارچه خشم و نفرت است. وسیعاً به این کارزار پیوندیم. اعتصابات سراسری پاسخ در خورد جنایات حکومت است.

در کنار خانواده های جان باختگان باشیم و اجازه ندهیم که زیر فشار حکومت قرار گیرند و هم صدا با آنها بر محاکمه عاملین این جنایت و حامیان آنها در حکومت تأکید کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

اعتراض خانواده های جان باختگان معدن همبستگی ها ادامه دارد

امروز پایان عملیات "نجات معدنچیان" از اعماق صدمتتری زمین از سوی حکومت اعلام شد. این در حالی است که بعد از خبر جان باختن ۵۲ معدنچی حکومتیان گفته بودند که هنوز تعدادی در اعماق زمین حبس هستند.

انفجار در تونل معدن معدنچو کارگران معدن در این منطقه و دیگر مناطق را دچار خشم فراوان کرده است. بنا بر گزارشات کارگر سه معدن دیگر در طبس حاضر به کار نشده و در اعتصاب اند. روز گذشته نیز همانطور که گزارش کردیم کارگران معدن در طزره دست به اعتصاب زدند و اکنون زمزمه های اعتراض در تمام معدن بلند است. در عین حال خانواده های معدنچیان جان باخته صدای دادخواهی شان بلند است. گوشه های از اظهارات و اعتراضات خانواده ها را اینجا می خوانید:

یکی از خانواده ها می گوید: کارگران معدن صبح اطلاع می دهند که بوی گاز در تونل پیچیده و در پاسخ به آنها میگن "اگر دوست داری کار کن نمی خواهی برو"

- خانواده یکی دیگر از کشته شدگان معدن طبس با خشم و اعتراض به روزنامه «شرق» می گوید: "بنویسید ما چه کردند، حتی پول حمل جنازه عزیزمان را هم خودمان باید بدهیم. از ۱۵ تا ۲۰ میلیون دادیم تا تن بی جان شان را به خانه ببریم. آن هم بدون سردخانه، فقط چندتکه یخ به ما می دهند تا روی آنها بگذاریم."

یکی دیگر از اعضای خانواده کارگران کشته شده می گوید: "گفتند کیسه بخرید و برای تحویل جنازه هایتان بیاورید."

همسر علی رضا کدئی، یکی از کارگران معدن که هم اکنون در بخش مراقبت های ویژه بستری است، می گوید: "همسرم در بخش مراقبت های ویژه است. ماه اول کارش بود، اصلاً نمی دانیم حقوقش را می دهند یا نه. بیمارستان گفته او را بیمه درمانی نکرده بودند، از طرفی دکترها می گویند شاید نیاز باشد تا مدت ها تحت نظر باشد. نمی دانم بابت همه این هزینه ها چه کنم."

مادر یکی از جان باختگان می گوید: "جوانان ما بدون ایمنی کار کردند" و پدرش می گوید: "همه کتوشلواری می آیند عکس بگیرند و با یک دست اشاره می کنند که بله ما داریم کاری می کنیم. برو دنبال کارت. آمده اند و هه هه خنده می کنند. جوان مردم دارد در کار تلف می شود. آمده آنجا نوشابه اش را بخورد. ساندیشش را بخورد و فقط قدم بزند. از مسئولین معدن هم کسی سراغ ما نیامده."

از سوی دیگر همبستگی با خانواده های معدنچیان طبس گسترش می یابد و ابعادی اجتماعی و توده ای به خود می گیرد. در ادامه گزارش روز گذشته و علاوه بر تشکل هایی که قبلاً اعلام همبستگی و اعتراض کرده بودند، امروز نیز همبستگی ها ادامه یافت. نهاد ندای زنان ایران با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کرده و می نویسد: "همدردی و دادخواهی برای جان باختگان معدن طبس: ما همه دادخواهیم و با خانواده های جان باختگان فاجعه معدن طبس هم دردییم. عزیزان ما نه تنها به واسطه گلوله و طناب دار، بلکه به دست حکومت سرمایه دارانی که در سایه

تجمع بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران

امروز صبح بازنشستگان کشوری در مقابل دفتر یزشکیان و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه خلف وعده‌ها و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان بلند کردند. این تجمعات علی‌رغم بارش شدید باران انجام گرفت و در آنها جمعیت قابل توجهی گردآمده بودند. بازنشستگان کشوری شعار می‌دادند: "گرانی تورم شکسته پشت مردم"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "فریاد، فریاد از این همه بیداد"، و فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ قبلاً هم برای پیگیری مطالبات خود تجمعاتی داشته‌اند با شعار "تا حق خود نگیریم از پای نمی‌نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تأکید کردند. در این روز جمعی از معلمان بازنشسته از کرج نیز با بنری که در دست داشتند در تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش شرکت داشتند.

اجرای کامل رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن متناسب با نرخ سبد معیشتی سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها از جمله محورهای مهم مطالبات این بازنشستگان است. بازنشستگان فریاد اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد و بی‌تامینی هستند. از مبارزاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴



در این روز همچنین جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی از شهرهای باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون در محل کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود و محرومیت از حق درمان رایگان تجمع کردند. در این تجمع بنری با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست" قابل توجه بود و بازنشستگان شعار می‌دادند: "معیشت، منزلت، درمان، حق مسلم ماست".

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۳، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

۶مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت و اعلام دوشنبه‌های اعتراضی در برخی مراکز نفت و گاز

بنا بر گزارشات منتشر شده امروز ششم مهرماه کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود در شرکت نفت فلات قاره در بهرگان و سیری دست به تجمع زدند. همچنین کارگران رسمی نفت در برخی از مراکز نفت و گفت روز دوشنبه را به‌عنوان روز ثابت اعتراضاتشان تعیین کرده و اعلام نموده‌اند که جهت پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود در این روز به اعتراضاتشان ادامه می‌دهند. اسامی این شرکت‌ها عبارت‌اند از: نفت و گاز پارس، شرکت پالایش گاز فجر جم، سکوها دریایی POGC، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری و شرکت نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان

اهم مطالبات فوری کارگران رسمی نفت عبارت‌اند از: اتمام مطالبات همکاران رسمی نفت عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده

تعیین روزی ثابت برای اعتراض اقدامی مهم در راستای تداوم قدرتمند و سازمان‌یافته است. کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه‌های مختلف مجتمع گاز پارس جنوبی نیز سه‌شنبه‌های را روز اعتراض خود تعیین کرده‌اند. تکثیر این اقدام در بخش‌های مختلف نفت و تعیین روز ثابتی برای اعتراض گامی مهم در جهت سراسری شدن و قدرتمندتر شدن اعتراضات در نفت است. یک اقدام مهم کارگران رسمی نفت شرکت خانواده‌های در اعتراضات است که بعدی اجتماعی به این اعتراضات داده است. از جمله در این هفته در سایت یک عسلویه و در شهرک‌های مسکونی نصر خانواده‌ها نیز شرکت و داشتند و راهپیمایی کارگران همراه با خانواده‌هایشان صحنه باشکوهی از اعتراض شکل داد. شرکت خانواده در اعتراضات این کارگران در دوشنبه‌های اعتراض و در بخش‌های مختلف نفت قدم دیگری در جهت قدرتمندتر کردن اعتراضات است و در جهت آن بکوشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مهر ۱۴۰۳، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴



از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۳۰ شهریور تا ۶ مهر ۱۴۰۳

جمعه ۶ مهر

مصوبات صورت جلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو.

دوشنبه ۲ مهر

- بازنشستگان مخابرات در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع سراسری داشتند و این تجمع در اهواز نیز برگزار شد.

- کوکب بداعی پگاه، از معلمان معترض در خوزستان، با دریافت ابلاغیه‌ای با تاریخ یکم مهرماه جهت اخذ آخرین دفاع به شعبه ۱۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز احضار شد. در این ابلاغیه از او خواسته شده بود که ظرف مدت ۵ روز جهت اخذ آخرین دفاع از بابت اتهامات انتسابی در شعبه مذکور حاضر شود. کوکب بداعی پگاه اواخر تیرماه ۱۴۰۲، توسط شعبه دو هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به دلیل شرکت در اعتراضات معلمان و سخنرانی در جریان اعتراضات به انفسال موقت از خدمت به مدت یک ماه محکوم شده بود.

- رضا عرب‌پور، زندانی سیاسی، ۶۸۰ روز است که در بازداشت و بلا تکلیفی در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد. او در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ به همراه ۷ تن دیگر از جوانان ایده توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده بود.

- یک زن جوان در بهبهان شامگاه جمعه ۳۰ شهریورماه، در حوالی میدان محسنی در حال حرکت به سمت یک آبمیوه‌فروشی توسط دو سرنشین موتورسیکلت که یکی از آنها تحت عنوان "آمر به معروف" به وی تذکر داده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفت. بنا بر گزارشات، گشت ارشاد دوباره به خیابان‌ها می‌آیند و مردم خشمگین با آنها درگیری می‌شوند.

- کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در ادامه اعتراضات خود برای هشتمین روز دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۱ مهر

- بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع داشتند و این تجمعات همچون هفته‌های گذشته در اهواز و شوش نیز برگزار شدند. در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر، روبروی سازمان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و در شوش و شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده و مقابل تأمین اجتماعی شوش تجمع بر پا کردند.

- بازنشستگان فولاد در اهواز و در ادامه اعتراضات خود، در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان تجمع کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "فولادی داد بزن حق‌تو فریاد بزن"

- اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد هفتمین روز شد. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت کار اصلی بارگیری مواد شیمیایی از مخازن کشتی‌ها در اسکله را انجام می‌دهند.

شنبه ۳۱ شهریور

- امان جلالی نژاد، جعفر سلمان نژاد و مهدی معمار، متهمان سیاسی در یک پرونده قضایی مشترک هستند که بیش از پنج ماه است به صورت بلا تکلیف در زندان شیبان اهواز در بازداشت، به سر می‌برند. گفته می‌شود که پرونده آنها در دادسرای اهواز در حال بررسی است. بنا بر گزارشات این زندانیان در اواخر خرداد سال جاری، در شعبه ۱۳ بازپرسی دادسرای

- اخبار حکومتی از وضع بد بیمارستان‌ها و کمبود پرستار گزارش می‌دهند. از جمله احمد نجفیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری که به تازگی وضعیت کارگروه رسیدگی به وضعیت گروه‌های پرستاری در وزارت بهداشت را تشریح کرده و وضعیت نیروی انسانی در استان خوزستان را فاجعه خواند و نسبت پرستار به تخت در این استان را حدود ۰٫۶ (شش دهم) اعلام کرد. کمبود پرستار و بالا بردن استانداردهای بیمارستان‌ها یکی از موضوعات اعتراضات پرستاران و کادر درمان است.

پنجشنبه ۵ مهر

- حجت آل محمدی، شهروند ساکن ایذه در دوشنبه ۲۶ شهریور برای چندمین بار دستگیر شد و خبری از محل نگهداری او در دست نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و نزدیکان وی شده است. حجت آل محمدی قبل از این نیز، در ۲۳ مرداد امسال دستگیر و چندی بعد از زندان شیبان اهواز آزاد شده بود. او همچنین پیش‌تر در ۲ خرداد ۱۴۰۲ دستگیر و نهایتاً بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به ۹ ماه حبس محکوم شده بود. او در تاریخ ۹ بهمن سال گذشته بعد از پایان دوره محکومیت خود آزاد شده بود. حجت آل محمدی در سال ۹۴ نیز دستگیر و تا سال ۹۸ تحت بازداشت موقت بوده است.

چهارشنبه ۴ مهر

- جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی از شهرهای باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون در محل کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود و محرومیت از حق درمان رایگان تجمع کردند. در این تجمع بنری با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست" قابل توجه بود و بازنشستگان شعار می‌دادند: "معیشت، منزلت، درمان، حق مسلم ماست".

- خوزستان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به لحاظ امکانات زیستی از جمله بیمارستان و مدرسه و بهداشت شهری است. در بسیاری از روستاها کودکان در کانکس‌های بدون کولر و فرسوده و بنای ناتمام و ناامن درس می‌خوانند. یکی از این مدارس دبستان لقمان در روستای سادات نجات بزرگ از توابع کرخه است که سال تحصیلی جدید را در چنین مدرسه‌ای آغاز کردند.

سه‌شنبه ۳ مهر

با گذشت ۱ ماه از آخرین جلسه شورای تأمین با دانشگاه علوم پزشکی اهواز در استانداری خوزستان و اخذ تعهد کتبی از دانشگاه علوم پزشکی این شهر در حضور بازرسان و هیئت‌مدیره نظام پرستاری اهواز برای عملی شدن خواست‌های پرستاران، هنوز اقدامی صورت نگرفته است و پرستاران به این خلف وعده اعتراض دارند. معوقات پرستاران عبارت‌اند از: تعرفه پرستاری تا پایان مرداد ۱۴۰۳، اضافه‌کار تا پایان مرداد ۱۴۰۳، پرداخت فوق‌العاده خاص تا پایان شهریور ۱۴۰۳، حق مسکن و... از پرداخت معوقات شش ماه اول سال ۱۴۰۳ خبری نیست.

- کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در نهمین روز اعتراض خود دست به تجمع زدند. مطالبات فوری این کارگران عبارت‌اند از: تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکت‌های هم‌جوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، کسر نکردن مبالغ یادش‌های بهروری، رفع مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، پرداخت اضافه‌کاری ماه رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، اجرای

انقلاب اهواز به ریاست بازپرس آذرنوش، با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام تفهیم اتهام شده‌اند.

- ساخت مجسمه ۱۰ میلیارد تومانی رئیسی جلاد توسط شهرداری اهواز بحث‌های اعتراضی را دامنه زده است. یکی از فعالین مدیای اجتماعی، عکس این مجسمه را به اشتراک گذاشته و می‌نویسد: "شهرداری اهواز مجسمه ۴ متری و ۳ تنی آیت‌الله رئیسی را با هزینه ۱۰ میلیارد تومان طراحی و در میدان فلسطین (استانداری) نصب کرده است. این در حالی است که مناطق کم‌برخوردار از امکانات اولیه شهری، همچون منبع آب حصیرآباد، ملاشیه، عین ۲ و گلدشت از کمترین خدمات شهری فوق محروم‌اند."

جمعه ۳۰ شهریور

- محرومیت از دادن داروهای موردنیاز، به بازداشت‌شدگان در زندان، سیاستی جنایت‌کارانه از سوی حکومت اسلامی علیه زندانیان سیاسی و قتل خاموش آنهاست. بنا بر آخرین خبرها فارس رماحی، زندانی سیاسی محبوس در زندان شیبان اهواز از دارو و درمان محروم است. علیرضا

مرداسی، معلم و متهم سیاسی، ۴۱۵ روز است که با حال نامساعد جسمانی در زندان شیبان اهواز در بازداشت و بلا تکلیفی به سر می‌برد. او با اتهاماتی از جمله افساد فی الارض و عضویت در گروه باغی، تاکنون دادگاهی نداشته و نزدیک به ۱۵ ماه است که در حالت بلا تکلیفی، و بدون رسیدگی قضایی، در زندان است. مرداسی در دهم مردادماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت شد. او معلمی چهل‌ساله است و بیش از بیست سال، سابقه تدریس در مقطع ابتدایی دارد. مرداسی از بیماری ربوی رنج می‌برد و همچون بسیاری از زندانیان، از درمان و دارو محروم است.

همچنین محمد طهماسبی، در مردادماه سال جاری در ارومیه دستگیر و ابتدا به زندان شیبان اهواز و بعد به بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر منتقل شد. او به بیماری چسبندگی روده مبتلاست و از درمان محروم است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۶ مهر ۱۴۰۳، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴



اخبار خوزستان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید